

مقاله اصلی

نقش والدین در رفع مشکلات آموزشی و تربیتی مجازی کودکان مقطع ابتدایی در دوران کرونا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

خلاصه

پژوهش حاضر، در صدد پاسخگویی به نقش والدین فرزندان مقطع ابتدایی از مسائل آموزشی و تربیتی فرزندان در دوران کروناس و تدابیرشان در رفع مشکلات آموزشی و تربیتی مجازی کودکان ابتدایی در دوران کرونا را بررسی می‌کند. پژوهش حاضر با هدف دریافت تجارب زیسته والدین از مسائل آموزشی و تربیتی و حمایتشان از یادگیری فرزندان در دوره قرنطینه کرونا انجام شد و به طور خاص به پرسش‌های زیر رسیدگی کرد: «والدین کودکان دبستانی چگونه مسائل آموزشی و تربیتی فرزندان خود را در خانه و تعطیلی مدارس و محدودیت‌های دوران کرونا تجربه کردند؟ سؤالات کلی با سؤالات هدفمندتری در رابطه با چالش‌های آموزش مجازی، راهنمایی، مسئولیت‌های یادگیری، ارتباط با مدرسه، درک و پیشرفت فرزندان دنبال شد. با عبارت «در مورد تجربه خود در این زمینه صحبت کنید» شروع و با هدایت و توجه به مشارکت فرد در جهت موارد مطرح شده گام برداشته شد و شرکت‌کننده را ترغیب می‌نمود تا نظرات و تجربیاتش را بیان و به توصیف دانسته‌ها و عملکردش پردازند. از آنجا که زبان نگارش گزارش‌های کیفی باید منطبق به زبان افراد درگیر باشد، پژوهشگر سعی نموده در ارایه مطالب مصاحبه شوندگان وفادار بماند. نتایج نشان داد، برخی از مادران از لحاظ روحی حس خوبی از تعطیلی مدارس در دوران کرونا تجربه نکرده بودند. ویژگی‌های روانی افراد نقش حساسی در پیش‌بینی تجارب دوران کرونا دارد. والدین توجه به مسائل آموزشی و تربیتی فرزندان را مستقیماً عاملی اثرگذار بر فرآیند ارتباطی با فرزندان گزارش کردند.

کلمات کلیدی: والدین، مقطع ابتدایی، مسائل آموزشی و تربیتی، مجازی، دوران کرونا

بی‌نوشته: این مطالعه فاقد تضاد منافع می‌باشد.

سوده امیرخانی دهکردی^۱

سیدحمید آتش‌پور^{۲*}

محمدحسین فلاح^۳

^۱دانشجوی دکتری گروه مشاوره، واحد یزد، دانشگاه آزاد

اسلامی، یزد، ایران

^۲دانشیار گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)،

دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

^۳دانشیار گروه مشاوره، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد،

ایران

Email: hamidatashpour@gmail.com

مقدمه

در دسامبر ۲۰۱۹، نوع جدیدی از کرونا ویروس با همه گیری در انسان شناسایی شد (هوانگ، وانگ، لی، زینگوانگ؛ رن، ژائو و همکاران، ۲۰۲۰). سرعت انتقال این بیماری و مرگ و میر ناشی از آن، منجر به هراس مردم از ابتلا به این بیماری شد (بروکس، وبستر، اسمیت، وودلند، و سلی و همکاران، ۲۰۲۰؛ باتگای، کوئل، تسودین ساتر، هیرش، ویدمر و همکاران، ۲۰۲۰). همه گیری ویروس کرونا جامعه ایران را از جنبه های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تحت تاثیر قرار داده و حوزه های مختلف جامعه را دگرگون کرد (تسلیمی تهرانی، ۱۴۰۰). در این راستا در اکثر کشورها آموزش حضوری در مدارس و دانشگاه ها تعطیل اعلام شد و امر تدریس با وضعیتی جدید روبرو شد به طوری که امکان ادامه تحصیل فقط با استفاده از ابزارهای ارتباطی از راه دور و معلمان مجبور به رو آوردن به تدریس آنلاین و تغییر سبک های تدریس خود متناسب با این فضا شدند (هوبر و حلم، ۲۰۲۰).

اکثر والدین قبل از همه گیری این بیماری، نقش چندانی در فرآیند آموزش به فرزندان شان نداشتند و آموزش دانش آموزان عمدتاً بر عهده معلم مدرسه بود. وقتی آموزش های رسمی از مدرسه به خانه منتقل شد، والدین به طور گسترده، معلمان را در این آموزش ها همراهی و پشتیبانی کرده و به عنوان عنصری تعیین کننده در زمان های غیررسمی آموزش نیز به طور قابل توجهی درگیر امر آموزش و یادگیری فرزندان شان شدند. درواقع، همه گیری کووید-۱۹ شرایطی را حاکم کرد که تحت آن، والدین به صورت بی سابقه ای وارد چرخه آموزش و یادگیری فرزندان شده و نظم تعلیم و تربیتی جدیدی را برای جلوگیری از توقف تحصیل آنها خلق کنند، هرچند ورود به این فرآیند، ناگهانی بود (خسروی، ۱۴۰۰).

آموزش در خانه در دوره کووید-۱۹، مزایا و فرصت های قابل توجهی برای والدین و فرزندان شان در پی داشت. مهمترین مزیت مشارکت مستقیم والدین در فرایند آموزش، آگاهی عمیق والدین در خصوص نیازمندی ها، مشکلات و نحوه یادگیری فرزندان، همچنین انعطاف پذیری و سازگاری بیشتر آموزش در خانه نسبت به آموزش مدرسه ای با نیازها و شرایط دانش آموزان بود (رن و

فونگستا، ۲۰۲۱؛ دانیلا، روبن و رودولفا، ۲۰۲۱). علی رغم این مزیت ها، در دوره همه گیری کرونا، والدینی که شرایط آموزش در خانه را نداشتند با چالش های جدی از جمله ناآشنایی با فن-آوری جدید و عدم آموزش والدین در این زمینه، محروم بودن از ابزارهای فناوری مناسب، عدم دسترسی به اینترنت یا دسترسی ضعیف به آن روبرو شدند (مگیو، دیلی پرت، و توره، ۲۰۱۸؛ آگاتون و کوئتو، ۲۰۲۱).

از سوی دیگر، دوره ابتدایی در جهت رشد و شکوفایی استعداد دانش آموزان تا این اندازه اهمیت دارد که در تعریف نظام جدید آموزشی دوره «اساس» نام گرفته است (محمدي، ناصری جهرمی، مختاری، حسامپور و ناصری جهرمی، ۱۳۹۷). بنابراین، با توجه به ضرورت «اولویت بخشی به آموزش ابتدایی» مندرج در سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش کشور و با توجه به عدم برگزاری کلاس های سنتی و محدودیت های ایجاد شده ناشی از شیوع ویروس کرونا، پژوهش حاضر با هدف واکاوی ادراک تجربه زیسته والدین دانش آموزان دوره ابتدایی از چالش های مسائل آموزشی و تربیتی به دلیل شیوع ویروس کرونا تعریف شده است.

در توصیف مشکل و موقعیت مسئله دار پژوهش حاضر باید گفت، با تعطیلی آموزش های حضوری نظام تعلیم و تربیت آرایش جدیدی به خود گرفت، و فضای مجازی جایگاه ویژه ای در زندگی دانش آموزان دوره ابتدایی باز کرد که نیازمند نظارت والدین به ویژه مادران، است. لذا، نظر به اینکه درمان اختصاصی برای مشکلات والدین این دانش آموزان وجود ندارد پژوهش حاضر ابتدا به کاوش در تجارب زیسته این والدین پرداخته و سپس از بطن این تجارب دست به تدوین دو روش آموزشی زده است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف فهم پدیدارشناختی مسائل آموزشی و تربیتی از نگاه والدین دارای فرزندان مقطع تحصیلی دبستان در دوران کرونا انجام شد.

بیان مسئله

همه گیری کووید-۱۹ تهدیدی برای سلامت افراد بوده و موجب دگرگونی اساسی در بسیاری از فعالیت های انسانی شد. شیوع این بیماری در مدت کوتاهی به یک نگرانی جهانی تبدیل شد و با توجه به گسترش بیماری سازمان بهداشت جهانی شیوع بیماری را

دنیاگیری اعلام کرد (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰). مطالعات قبلی، از جمله کانگ، ژانگ، یوان و چن (۲۰۲۰) و لیو، یانگ، ژانگ، شیانگ، لیو و هو و همکاران (۲۰۲۰) تأثیر روانی کووید ۱۹ را تأکید کردند. اگر چه شیوع کووید ۱۹ که بیشتر سیستم‌های بهداشتی و درمانی کشورهای مختلف را با چالش روبرو کرده، اما سایر حوزه‌ها از جمله حوزه تعلیم و تربیت را نیز تحت تأثیر خود قرار داد (حاجی، محمدی مهر و محمدی آذر، ۱۴۰۰).

با اوج‌گیری «کرونا» و همه‌گیر شدن این بیماری و اعلام وضعیت اضطراری از سوی دولت‌ها و سیستم‌های بهداشت عمومی، اقدامات گسترده‌ای برای پیشگیری از ابتلا به این بیماری انجام شد. پروتکل‌های بهداشتی بر رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی تأکید کردند و وضعیت جدید ناشی از شیوع کرونا شرایط بی‌سابقه‌ای بر سیستم آموزشی کشورها تحمیل کرد (کینگ، جگر-بلا و گلوئسچ، ۲۰۲۰). در پی این همه‌گیری، تعطیلی مکان‌های پرجمعیت به ویژه مراکز آموزشی، در اولویت بسیاری از جوامع قرار گرفت. درواقع، تعطیلی مدارس به ویژه در کشورهایی که به نسبت دانش‌آموزان هر مدرسه فاقد زیرساخت‌های بهداشتی کافی برای جلوگیری از همه‌گیری ویروس کرونا بودند، ضرورت پیدا کرد. در آوریل ۲۰۲۰، آمارها نشان داد مدارس ۱۹۳ کشور، در سطح ملی به سبب کووید-۱۹ تعطیل شدند (خسروی و قاسمی، ۱۴۰۰). در ایران نیز پس از شناسایی نخستین مبتلایان به این بیماری، مدارس از اوایل اسفندماه ۱۳۹۸ به صورت رسمی تعطیل شد و آموزش‌ها از شکل حضوری به شیوه مجازی تغییر جهت داد (عباسی، حجازی و حکیم زاده، ۱۴۰۰).

آموزش مجازی، به هر نوع دوره و آموزشی اطلاق می‌شود که به شکلی غیر از روش‌های سنتی چهره به چهره انجام شود. محتویات دروس ممکن است از طریق وب یا با استفاده از ویدئو، تصاویر فعال و متعامل دو طرفه انتقال یابند. همچنین تلویزیون‌های کابلی یا ماهواره‌ای می‌توانند رسانه انتقال دهنده این مواد درسی باشند (سانابریا، چاوز و گومز رامونو، ۲۰۱۸). این نوع آموزش، با محوریت وب به عنوان ابزاری نیرومند در ارتقاء کیفیت و اثربخشی آموزش بوده به گونه‌ای که دیگر نیازی به

حضور فیزیکی در کلاس‌های درس نمی‌باشد (دلشاد، حیدرینیا، نیکنامی و پورحاجی، ۱۳۹۵).

به نظر امراه و اُاسیله (۲۰۲۰) آموزش در فضای مجازی به طور کلی برای مدارس، پدیده‌ای ناشناخته نیست و در چند سال گذشته کم و بیش از آن استفاده شده، از این رو مدارس سریعاً به آموزش مجازی روی آوردند (حاجی و همکاران، ۱۴۰۰). حتی سازمان بهداشت جهانی هم طبق بیانیه‌ای اعلام کرده است که آموزش از راه دور مانند تلویزیون و آموزش برخط از بهترین راه‌های ادامه آموزش می‌باشد (بندر، ۲۰۲۰). مایداس، بورنه و باکسیج (۲۰۱۰) معتقدند که در شرایط کنونی همه‌گیری در جهان، آموزش برخط دسترسی بسیاری از دانش‌آموزان را به آموزش فراهم می‌آورد. بنابراین با توجه به مشکل ایجاد شده در سیستم آموزشی جهان، آموزش مجازی، بهترین راه آموزش است (سلیمی و فردین، ۱۳۹۹). چرا که این نوع از آموزش سال‌هاست که در حال رشد بوده و فرصت جدیدی را برای معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی و موسسات آموزشی فراهم می‌آورد. البته باید در نظر داشت که تدریس به صورت مجازی برای معلمان، مراکز آموزشی، دانش‌آموزان و خانواده‌ها مشکلاتی از جمله ناآشنایی با فناوری جدید و چالش‌هایی ناشناخته را به وجود آورده است (ماگیو، دالی، پرات و تاره، ۲۰۱۸).

در ایران بر اساس سیاست‌های بالادستی، نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور به دو دوره ابتدایی و متوسطه تقسیم‌بندی شده که هر یک از این دوره‌ها نیز در دو دوره سه ساله تعریف گردیده‌اند. به این معنا که سه ساله اول ابتدایی را دوره اول ابتدایی و سه ساله دوم را دوره دوم ابتدایی نام‌گذاری می‌کنند (محمدی، کشاورزی، ناصری جهرمی، حسامپور، میرغفاری و همکاران، ۱۳۹۹). دوره ابتدایی، در رشد مفاهیم و معانی اموری که کودک در زندگی روزمره با آنها مواجه است، نقش مهمی دارد. این دوره تداوم بخش تکوین شناختی، زیستی و اجتماعی کودک که در خانواده پی‌ریزی شده، می‌باشد. همچنین دوره‌ای است که در آن فرصت و موقعیت مناسبی برای تحصیل، تربیت و

هنوز خودشان وارد فضای مجازی نشده‌اند (کیخا و همکاران، ۱۳۹۶؛ آزادالله کرمی و حجت‌اله الماس، ۱۳۹۴).

نظریه یادگیری مشاهده‌ای رفتار فرد را حاصل مشاهده رفتار دیگران می‌داند، به نقش والدین به عنوان اولین الگوهای کودک توجهی خاص دارد. دیدگاه شناختی هم که هرگونه رفتار را نتیجه تعبیر و تفسیر اطلاعاتی می‌داند که فرد از محیط خارج دریافت می‌کند، معتقد است که معنی دادن به وقایع زندگی را اولین بار، کودک در محیط خانواده و از والدین می‌آموزد (اتکینسون، نولن هوکسما، بم، اسمیت و اتکینسون، ۱۳۹۹).

بنابراین، در شرایطی که کودکان به آموزش برخط و ابعاد آن به خوبی آگاه نیستند و به حمایت و آموزش والدین خود نیاز دارند، اگر والدین در این زمینه با یکدیگر همکاری نکنند و در آموزش مجازی فرزندشان قدم صحیح و آگاهانه‌ای برندارند، کودک و امر آموزش وی مهمل می‌ماند (مادان و شرما، ۲۰۱۵). دنبال کردن مباحث آموزشی، تسلط کودک به تمامی درس‌ها و انجام صحیح فعالیت‌های کلاسی، عادت کردن به شرایط جدید آموزشی و تطبیق ساعات خواب و بیداری وی با توجه به ساعات کلاس‌ها در شرایط جدید، داشتن مشکل در یادگیری درسی خاص و هماهنگی با مسئولان مدرسه، داشتن مشکلات اتصال به اینترنت در منزل و عدم امکانات دسترسی به برنامه‌های آنلاین آموزشی و تمامی مسائل آموزشی فرزندان در شرایط جدید، به هماهنگی و گفت و گوی والدین نیاز دارد. در این دوران والدین باید با صبوری و انعطاف با یکدیگر تعامل کنند تا امر آموزش فرزندشان بر اثر رابطه ناصحیح آن‌ها آسیب نبیند (مندلسون، ۲۰۲۰).

به دلیل این اهمیت و نقشی که والدین در این دوره تحصیلی در رشد تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان بر عهده دارند تا دوره‌های تحصیلی آینده شکل بگیرد، لازم است کارکردهای مهم این دوره از نگاه فعالیت آموزشی و تربیتی شناخته شود تا جایگاه فعالیت والدین مجال بررسی پیدا کند.

با توجه به اهمیت آموزش مجازی در شرایط کنونی که ویروس کرونا موجب تعطیلی مراکز آموزشی شده و تمامی فعالیت‌های آموزشی کشور خصوصاً در مقطع ابتدایی در بستر آموزش مجازی (برنامه شاد) صورت می‌گیرد تحقیقات گسترده‌ای در داخل و خارج کشور در این زمینه انجام گرفته است. محمدی و

یادگیری شیوه ارتباط صحیح با دیگران برای کودک فراهم می‌گردد و استعدادهای هر کودک بتدریج شکوفا می‌شود (موراتیدو، کاراماورو، کاراتزا، و شیلینگر، ۲۰۲۰). استانداردهای رفتار کودکان در این دوره معمولاً توسط والدین و معلمان مشخص می‌شود لذا از کمال‌طلبی و اهداف آرمانی برای تعیین رفتار مناسب آنها باید پرهیز شود (آرسلن و آلن، ۲۰۲۰).

با اعلام رسمی شیوع در ایران و آغاز تعطیلی مدارس، معلمان بر اساس رسالتی که داشتند و تلاش در جلوگیری قطع ارتباطشان با دانش‌آموزان و اولیاء آنان، به صورت خودجوش به تولید محتوا پرداخته و با ارائه در شبکه‌های اجتماعی، آموزش دانش‌آموزان خود را ادامه داده‌اند. بنابراین، معلم درس را به صورت محتوای تولید شده در قالب آموزش‌های صوتی و تصویری ارائه و تکالیفی را جهت دانش‌آموزان مشخص نموده، دانش‌آموز نیز با همکاری والدین خود به انجام تکالیف و ارسال به معلم خود می‌پردازد. از این رو، با واسطه والدین، روش و تعامل دو سویه معلم و دانش‌آموزان، وقفه ایجاد شده در تدریس جبران گردیده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

از سویی، در سنین پایین بار فرزندان از طریق خانواده‌هایشان با شبکه‌های اجتماعی موبایل بنیان آشنا می‌شوند. فرزندان به دلیل نوجویی، نوگرایی، هیجان جویی و هیجان طلبی، خود نمایی، مدگرایی و مانند آن، متوجه شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی می‌گردند (منطقی، ۱۳۹۳). گشت و گذار در شبکه‌های اجتماعی علاوه بر تجربه شگفت‌آوری که برای کودکان به ارمغان آورده، سرشار از معضلات و آسیب‌هایی است که والدین و مربیان به علت عدم آگاهی از این خطرهای و برای نشان دادن علاقه و محبت خود به فرزندانشان با فراهم آوردن بستر مناسب، باعث مواجهه کودکان با مطالب نامناسب در این شبکه‌ها شدند. با این که انتقال اطلاعات و دانش در شبکه‌های اجتماعی امری مطلوب محسوب می‌شود اما نباید از تأثیرات سویی که بر اثر عدم فرهنگ سازی مناسب بر روان و رشد تربیتی کودکان می‌گذارد را غفلت کرد (کیخا، مرتضوی و کیان، ۱۳۹۶).

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بین نحوه کاربری والدین از شبکه‌های اجتماعی و کاربری کودکانشان رابطه مستقیمی وجود دارد مخصوصاً در پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی چون

همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی، در بررسی «تجارب زیسته والدین از چالش‌های آموزش مجازی در زمان شیوع پاندمی کرونا» نشان می‌دهند که محاسن و معایب آموزش مجازی در پنج مقوله آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی طبقه‌بندی می‌شود. شواهد پژوهشی نشان داد است که دریافت آموزش‌های مجازی و برخط در منازل توسط کودکان زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی فراگیرتری بین کودکان و والدین آنان گردیده و نظارت بیشتر والدین بر تکالیف و فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموزان را موجب شده است.

-اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر را می‌توان از دو بعد، مورد توجه قرار داد. ضرورت طراحی و اعتبارسنجی بسته‌ی آموزشی مبتنی بر ادراک تجربه زیسته والدین و ضرورت توجه بر مسائل آموزشی و تربیتی فرزندان در دوران کرونا می‌باشد. همه‌گیری کووید ۱۹ باعث تغییر و تحول در بخش‌های مختلف زندگی از جمله تغییر آموزش حضوری به صورت آموزش مجازی پیگیری می‌شود. در این تغییرات والدین و کودکانی که در پایه ابتدایی هستند تجارب متفاوتی را دریافت می‌کنند. به ویژه آن که این گروه سنی برای اولین بار است با آموزش مجازی آشنا می‌شوند. دانگ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با اشاره به نگرش منفی به آموزش مجازی در والدین دانش‌آموزان ابتدایی بر کاستی‌های آموزش مجازی تأکید نمودند (البرزی و همکاران، ۱۳۹۹). نتایج غالب مطالعات نشان می‌دهد که مشارکت والدین و مشکلات تجربیات یادگیری فرزندان آنها عمدتاً بر محیط سستی مدرسه متمرکز است که با مشارکت والدین در یک محیط آنلاین به شدت متفاوت می‌باشد (لیو، بلک، آلجینا، کاوانا و داوسون، ۲۰۱۰). مطالعاتی که اخیراً متمرکز بر موضوع همه‌گیری کووید ۱۹ و تحصیل کودکان بوده‌اند نشان داده‌اند که موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در چالش‌های بی‌شمار این دوره رشد، به میزان

حمایت والدین آنان ارتباط دارد. محققان مختلف با اطلاع دقیق از پیامدهای چندگانه ویروس کرونا، مشارکت والدین در آموزش از راه دور و به طور خاص یادگیرندگان را مطالعه کرده‌اند (توکلی و یداللهی، ۱۳۹۹؛ حاجی و همکاران، ۱۳۹۹؛ دانیلا و همکاران، ۲۰۲۱؛ تورل و همکاران، ۲۰۲۱).

بنابراین به لحاظ روانشناختی مطابق آنچه که گذشت به نظر می‌رسد پژوهش در زمینه ایجاد بستری جهت بررسی مهارت‌ها، مشکلات و نیازهای والدین به عنوان ذینفعان واضح پیشرفت تحصیلی فرزندان، در محیط‌های آموزش از راه دور و حیطه‌های مختلف آن در دانش‌آموزان ابتدایی ضروری به نظر می‌رسد.

آموزش مجازی: آموزش مجازی از قدرت شبکه‌های کامپیوتری، فناوری‌های اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای و علوم جدید دیجیتال بهره می‌برد و در اصل هنر استفاده از فناوری شبکه‌ها به منظور طراحی، انتخاب، تحول و اداره فرآیند آموزش است (عرب‌مختاری، ۱۳۹۶: ۱۴).

بیماری کرونا: واژه «کروناویروس» از کلمه زبان لاتین «corona» یا کلمه یونانی «kopón» به معنی تاج یا هاله گرفته شده‌است. این واژه به مشخصه ظاهری ویروس‌ها (شکل عفونی ویروس) که در زیر میکروسکوپ الکترونی دیده می‌شود، اشاره دارد که حاشیه‌ای از سطح بزرگ و پیاپیاز داشته و یادآور تصویری از یک تاج سلطنتی یا تاج خورشیدی است. از این رو کروناویروس را «ویروس تاج‌دار» نیز می‌نامند.

یکی از اقدامات سلامت عمومی به منظور مهار گسترش همه‌گیری کرونا این بود که مدارس در اکثر کشورها اجباراً تعطیل شدند. در این دوران، نظام‌های آموزشی در سرتاسر جهان با چالشی بی‌سابقه مواجه بودند. نهادهای دولتی با همکاری سازمان‌های بین‌المللی، شرکای بخش خصوصی و جامعه مدنی در راستای آموزش از راه دور را از طریق آمیزه‌ای از فناوری‌ها امکان‌پذیر نمودند و بدین ترتیب استمرار مطالعه و آموزش مبتنی بر برنامه درسی را برای همگان تضمین کردند.

تحصیلی دبستان از مسائل آموزشی فرزندان در دوران کرونا در یک برنامه آموزشی عبارت است از مجموعه روش ها و دستورالعمل هایی که با استفاده از یافته های علمی برای حل مسائل آموزشی اعم از طرح، اجرا و ارزشیابی در برنامه های آموزشی جهت بهبود عملکرد تحصیلی، پیشرفت دروس و یادگیری دانش آموزان مقطع ابتدایی، با توجه به چگونگی آموزش و همچنین تفاوت در شکل سنتی و یادگیری آموزش مجازی به کار برده اند. اهم این فعالیت ها را می توان به طراحی فعالیت های یادگیری، حل مساله و مهارت های زندگی و مواردی از این قبیل اشاره نمود که مداخله آموزشی به صورت گروهی و در قالب ۸ جلسه آموزشی ۹۰ دقیقه ای اجرا گردید.

- تأثیرات شیوع بیماری کرونا بر مسائل تربیتی و آموزشی

همه گیری بیماری کرونا و ویروس و اعلام وضعیت اضطراری ناشی از پاندمی کووید- ۱۹ از سوی سازمان جهانی بهداشت که تهدیدی برای تمام جهان، به شمار می رود (لیو، ژانگ، وی، جی، شانگ و سن، ۲۰۲۰). اگرچه همه اقشار و گروه های سنی در معرض خطر این بیماری قرار دارند، اما با توجه به جمعیت بالای دانش آموزان، تراکم کلاس های درسی، استفاده از امکانات و فضاهای عمومی و مشترک و در نتیجه آن پیامدهای سلامتی و احتمال بالای انتقال و ویروس از طریق این گروه به آحاد جامعه، مراقبت و کنترل فضاهای آموزشی و تعطیلی مدارس و مراکز آموزش عالی در سال ۲۰۲۰ میلادی، از نخستین اقدامات کشورهای مبتلا به این بیماری در حوزه آموزش از جمله در کشور ایران بود (کدخدا و ناستی زایی، ۱۴۰۰) و این باعث ضربه به دانش آموزان پایه های پیش دبستانی تا دبیرستان گردید (یونیسکو، ۲۰۲۰). بدین ترتیب تعطیلی مدارس، ۱/۵۷ میلیارد کودک و نوجوان، تقریباً ۹۱٪ از جمعیت جهانی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار داد (یونیسکو، ۲۰۲۰؛ خسروی، ۱۴۰۰).

تعطیلی مدارس هزینه های اجتماعی، آموزشی و اقتصادی بالایی را به همراه داشت و اختلالات ایجاد شده در افراد جامعه قابل لمس بود. اما تأثیر آنها برای افراد محروم و خانواده های آنها بسیار شدید بود (یونیسکو، ۲۰۲۰). اغلب والدین به سبب نگرانی از ابتلای خود و فرزندان به بیماری، از حضور آنها در مدارس

دوره ابتدایی: «دوره ابتدایی دوره آموزشی رسمی کودکان است. در ایران، دوره ابتدایی یا دوره دبستان، دو دوره ۳ ساله است که دانش آموزان در سن ۷ سالگی وارد شده و پس از ۶ سال از این مقطع آموزشی وارد دوره متوسطه اول می شوند. در حال حاضر دوره ابتدایی شامل شش پایه است. این سطح از آموزش به نام های تعلیمات ابتدایی، تعلیمات اجباری، آموزش همگانی و آموزش عمومی خوانده شده است» (شکوهی، ۱۳۹۷: ۱۵۸). منظور آموزش ابتدایی در این پژوهش، به عنوان اولین مرحله آموزش همگانی مطرح است؛ دوره ای از مدارس اول تا ششم ابتدایی که در شهر یزد تشکیل شده است.

شیوه های تربیتی:

روش هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می گیرند و بیانگر نگرش هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند و شامل اصول و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می کنند (زائری و اسلامی نژاد، ۱۳۹۷: ۳).

آموزش مسائل تربیتی:

در این پژوهش، طراحی برنامه آموزش والدین که پژوهشگر براساس ادراک تجربه زیسته والدین دارای فرزندان مقطع تحصیلی دبستان از مسائل تربیتی فرزندان در دوران کرونا، در آموزش رفتاری والدین در شکل سنتی و یادگیری آموزش مجازی استفاده به کار برده اند. گام های اساسی این بسته آموزشی عبارتند از: تشریح رفتارهای نامطلوب، شکل دهی رفتارهای مثبت از طریق عدم تقویت رفتارهای نامطلوب، آموزش یک نظام رسمی از امتیازها و ژتون ها به منظور شرطی کردن اطاعت کودک، آموزش والدین در بکارگیری روش محروم سازی، مداخله آموزشی به صورت گروهی و در قالب ۸ جلسه آموزشی ۹۰ دقیقه ای اجرا گردید.

آموزش مسائل آموزشی:

در این پژوهش مجموعه فعالیت هایی مدنظر است که پژوهشگر براساس ادراک تجربه زیسته والدین دارای فرزندان مقطع

کمتری است که در مقایسه با زمان یادگیری در مدرسه و به صورت حضوری برای آموزش صرف کرده‌اند منعکس شد (قراری و همکاران، ۱۳۹۹).

نقش کرونا در مشکلات روان شناختی و آموزشی کودکان

شیوع ویروس کرونا، با پیامدهای منفی بر سلامت روان افراد و زندگی آن‌ها همراه بوده است (کانگ، لی، هو، چن، یانگ و همکاران، ۲۰۲۰) که مجموعه‌ای از نشانه‌ها تا اختلالات بالینی جدی را شامل می‌شود. کرونا با علائمی شبیه به سرماخوردگی مانند آبریزش بینی، سرفه، عطسه، لرزش دست، گلودرد، معمولاً سردرد و تب باعث ایجاد عفونت و مشکلات خفیف تا متوسط در دستگاه تنفسی فوقانی می‌شود. اگرچه روند خود محدود شونده‌ای دارد ولی علائمی مانند تب، سردرد و بدن درد، سرفه و آبریزش بینی و علائم تنفسی مانند تنگی نفس از شکایت‌های شایع است (رید، بریدگان، کامیتز، هو و جول، ۲۰۲۰). افزایش احساس تنهایی، کاهش حمایت اجتماعی، کاهش امید به زندگی (شیگمورا، اورسانو، مورگانستین، کورساو و بندک، ۲۰۱۹) احساس اضطراب و نگرانی تا استرس و اضطراب بالینی، وسواس فکری و عملی مرتبط با بیماری (وسلی و بتز، ۲۰۲۰) و حتی نشانه‌هایی از استرس پس از سانحه در شرایط مشابه دیده شده است (شولتز، بیانگانا و نریا، ۲۰۱۵).

استرس ناشی از این بیماری و اثرات مخرب روانی-اجتماعی آن سلامت، بهزیستی روانی و سازگاری همه گروه‌های سنی را تحت‌الشعاع قرار داد. کودکان کم سن و سال نیز به دلیل ضعیف بودن ایمنی بدن، بیماری را به صورت حادث‌تری بروز می‌دهند (رید و همکاران، ۲۰۲۰) و به عنوان بخش آسیب‌پذیر جامعه با احتمال بیشتری دچار مشکلات روان شناختی می‌شوند (گاش، دابی، چاترجی و دابی، ۲۰۲۰) و سلامتی آن‌ها تحت تأثیر تجربیات آن-ها و همچنین بزرگسالان اطرافشان قرار می‌گرفت (وسلی و همکاران، ۲۰۱۹). قرنطینه و روش‌های مهار بیماری به عنوان روشی برای پیشگیری از انتقال و شیوع بیماری‌های واگیر به کار می‌رود (باربیش، کوئینگ و شی، ۲۰۱۵). اغلب، تحمل قرنطینه

جلوگیری می‌کردند. والدین می‌بایست علاوه بر مدیریت نگرانی‌ها و اضطراب‌های خود و خانواده نسبت به ابتلا به ویروس، فضای آرام برای فرزندان در خانه ایجاد می‌کردند و این بسیار چالش‌زا و دشوار بود (خو و یو، ۲۰۲۰). با توجه به شرایط ایجادشده، آموزش در خانه مناسب‌ترین گزینه جهت حفظ سلامت دانش‌آموزان از یک طرف و تداوم تحصیل و یادگیری از طرف دیگر به حساب آمد. به بیان دیگر، پس از تعطیلی آموزش‌های حضوری، آموزش مجازی در خانه، بهترین بدیل ممکن برای زنده نگهداشتن جریان یاددهی-یادگیری شد (خسروی، ۱۴۰۰).

علاوه بر هزینه‌های بالا، تصمیم به تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی موجب بروز آسیب در نظام تعلیم و تعلم شده و چالش‌هایی را ایجاد نمود. انیما (۲۰۲۰) در مطالعات خود نشان داد که کووید-۱۹ اثرات سوئی بر آموزش از جمله، اختلالات یادگیری، کاهش دسترسی به امکانات آموزشی و پژوهشی، از دست دادن شغل و افزایش بدهی‌های دانش‌آموزان دارد. این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که بسیاری از مربیان و دانش‌آموزان برای اطمینان از ادامه یادگیری آنلاین در طی بیماری همه‌گیر ویروس کرونا به فناوری متکی بودند. با این وجود، زیرساخت‌های ضعیف از جمله، شبکه، مشکلات دسترسی و عدم دسترسی و مهارت‌های دیجیتالی ضعیف مانع آموزش آنلاین گردید (قراری، محمدی و قربانی، ۱۳۹۹). ریمرز و شلیچر (۲۰۲۰) معتقدند که همه‌گیری ویروس کرونا، برای معلمان یک چالش سازنده و تحول‌ناپذیر است، که برای آن هیچ کتاب‌نامه‌ای که از قبل پاسخ‌های مناسب و راهنمایی‌های لازم را در برداشته باشد وجود ندارد؛ پس رهبران آموزش و پرورش باید به سرعت پاسخ‌های لازم را با در نظر گرفتن زمینه‌های خاص طراحی کنند. بازتابی بر اساس اقدامات و داده‌های بین‌المللی که برآورد انجام شده در فرانسه، ایتالیا و آلمان نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در طول انجام تعطیلی مدارس به صورت هفتگی دچار از دست دادن یادگیری بین ۸۲٪ تا ۲۳٪ از انحراف استاندارد را متحمل شدند. چنین ضروری در کاهش نمره آزمون دانش‌آموزان به دلیل زمان

طولانی مدت، برای افراد مختلف، به ویژه کودکان و نوجوانان، یک تجربه ناخوشایند و استرس‌زا است و تغییراتی را در روند زندگی آنان ایجاد می‌کند (رابین و وسلی، ۲۰۲۰) که منجر به انزوا و محدودیت‌هایی شده که به طور قابل توجهی برای کودکان ایجاد مزاحمت می‌کند. کودکان به خوبی درک نشده‌اند و تحقیقات زیادی نشان داده‌اند که آنها این شرایط را گیج کننده و ترسناک می‌بینند (چوب داری، نیک خو و فولادی، ۱۳۹۹).

در بعد فردی، شرایط سخت قرنطینه برای کودکان و نوجوانان، ممکن است به عنوان مانعی برای پیروی از قرنطینه و عدم سازگاری با آن تلقی شود. قرنطینه منجر به از دست دادن آزادی کودکان و نوجوانان می‌شود. به علاوه عدم اطمینان از وضعیت بیماری اثرات منفی چشمگیری بر آنان بر جای می‌گذارد (بروکس، ۲۰۲۰). اسپرنک و سیلمن (۲۰۱۳)، دریافتند که با توجه به گزارش‌های والدین در ایام قرنطینه (مرتبط با بیماری سارس)، ۳۰٪ از کودکان و نوجوانان، و ۲۵٪ از والدین قرنطینه شده، علائم اختلال استرس پس از آسیب را نشان دادند. در کل، پژوهشگران در بررسی اثرات همه‌گیری بیماری‌های عفونی تنفسی و قرنطینه در بعد فردی، به مشکلات و پریشانی‌های روان-شناختی و هیجانی، نشانگان اختلال استرس پس از آسیب، افسردگی، استرس‌های روان‌شناختی، ناکامی، خستگی، خشم، ترس از سرایت بیماری به خودشان و افراد خانواده و دوستان و اضطراب و بی‌خوابی، عدم دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و مشکلات تغذیه (یونسکو، ۲۰۲۰، ونگ، هوربی، هیدن و گوآ، ۲۰۲۰؛ بروکس و همکاران، ۲۰۲۰؛ یون، کیم، کو و لی، ۲۰۲۰؛ دالتون، راپا و استین، ۲۰۲۰؛ ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۹) اشاره کرده‌اند. به علاوه کودکان و نوجوانان از احساس تنهایی (به ویژه تک فرزندان) و کاهش فعالیت‌های بدنی و محدود شدن تفریحات رنج می‌برند.

به علاوه، قرنطینه، تعطیلی مدارس و فاصله‌گذاری اجتماعی، تغییراتی در نحوه تعامل کودکان و نوجوانان با خویشاوندان، گروه همسال و معلمان ایجاد می‌کند. محدودیت رابطه با گروه همسال در محیط‌های اجتماعی، شبکه‌های حمایت اجتماعی را در کودکان و نوجوانان محدود کرده و تمایل آنان را به استفاده از فضاهای مجازی بیشتر کرده است، این مسئله ممکن است به اعتیاد

آنان به اینترنت منجر شود. به علاوه در شرایط قرنطینه، حضور مستمر افراد خانواده در کنار یکدیگر، نزاع بین والدین و یا مشکلات کودکان و نوجوانان با والدین منجر به ناسازگاری‌های رفتاری و احساسات منفی نسبت به افراد خانواده می‌شود. بدون تردید، انطباق موفقیت‌آمیز با تغییرات روانی-اجتماعی ناشی از این ویروس نوظهور، می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای تجربه رشد در ابعاد مختلف زندگی فردی-اجتماعی ایجاد کند.

از مشکلات دیگر که در شرایط شیوع کرونا، به دلیل تعطیلی مدارس، برای کودکان و نوجوانان بوجود آمد، مشکلات آموزشی بود. در شرایط قرنطینه کلاس‌های درس به صورت آنلاین برگزار می‌شوند. این در حالی است که همه دانش-آموزان به اینترنت دسترسی ندارند، کاهش زمان آموزش و کیفیت نامناسب خدمات آموزش آنلاین، و نابرابری در استفاده از فرصت‌های آموزشی، عملکرد تحصیلی یادگیرندگان را کاهش داد. حتی دانش‌آموزانی که از امکانات مناسب برای دسترسی به اینترنت و کلاس‌های آنلاین برخوردارند، گزارش می‌دهند که برنامه آموزش آنلاین حتی از کلاس‌های معمولی استرس‌زاتر است. در کلاس‌های درس عادی مشارکت در فرآیند یادگیری و حمایت همکلاسی‌ها استرس را کمتر و قابل کنترل‌تر می‌کند (رارکریان، ۲۰۲۰)، در حالی که در کلاس‌های آنلاین، اغلب مشارکت یادگیرندگان و حمایت آنان از یکدیگر به حداقل می‌رسد. به علاوه در کلاس‌های آنلاین نقش معلمان، و راهبردهای تدریس معلمان تغییر می‌کند و دانش‌آموزان لازم است خودشان را با این تغییرات سازگار کنند. این مشکلات سطح استرس و اضطراب تحصیلی یادگیرندگان را بالا می‌برد. استرس و اضطراب می‌تواند سیستم ایمنی بدن را ضعیف کرده و افراد را در مقابل بیماری‌های مختلف آسیب‌پذیر سازد (علی‌پور، قدمی، علی‌پور و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۸).

- مفهوم آموزش مجازی و کارکرد آن در یادگیری

شبکه‌های اجتماعی گونه‌ای از رسانه‌ها هستند که بعد از رسانه‌های جمعی ظهور یافته و امکان تعامل میان تولیدکننده پیام و دریافت کننده آن را فراهم می‌آورند، بدین معنا که در این رسانه‌ها مخاطب و یا گیرنده پیام، منفعل نبوده و به تعامل پویا و فعالانه با پیام، فرستنده، فرآیند ارسال و دریافت و بستر ارائه پیام می‌پردازد

و امکان ایجاد تغییرات در پیام ارسالی و بازنشر آن را دارد که به افراد دیگر پیامی ترکیب شده با اندیشه‌ها و آموزه‌های فکری خود را بازنشر دهد. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی شامل دسترسی و وسعت؛ کم هزینه بودن؛ چند رسانه‌ای بودن؛ جمع‌گرایی و شبکه‌سازی انسانی؛ تعامل گرایی؛ بهره‌گیری بدون نیاز به مهارت و تخصص؛ ارتباط فوری؛ پیوستگی و مداومت می‌باشد (آذربخش، ۱۳۹۹). شبکه‌های اجتماعی، نقش پررنگی در دنیای امروز دارند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. این سایت‌ها بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد و در سطح کشورها و حتی بین الملل تأثیرگذارند و به همین دلیل، در حال گسترش هستند و در آینده، به مراتب نقش بیشتر و مهم‌تری را در زندگی بازی خواهند کرد. با رشد روز افزون فناوری و رسانه‌های فرا ملی از جمله اینترنت، ماهواره و تلفن همراه و افزایش شمار استفاده کنندگان از این رسانه‌های مدرن لزوم بررسی تأثیر آنها بر زندگی انسان‌ها یکی از مقولات مهم به شمار می‌آید (غلامی، ۱۴۰۰).

یکی از مهمترین و پرکاربردترین رسانه‌های جدید، شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌باشند. راحتی استفاده از ابزار به جای نیروی انسانی، اندیشمندان را در چگونگی بهره‌مندی از فناوری در امر آموزش و یادگیری به فکر فرو برد. حاصل این تعمق و تلاش، عرضه بسته‌های آموزشی و یادگیری از طریق ابزارهای الکترونیکی بود که بعداً به آموزش الکترونیکی و مجازی موسوم شد (عرب‌مختاری، ۱۴۰۱). کلمه «مجازی» گرفته شده از واژه‌ی لاتین یا کلمه‌ی فرانسوی به معنای پتانسیل (بالقوه) است یعنی چیزی که واقعی نیست ولی امکان تحقق دارد. فضای مجازی، به معنای ارتباط انسان از طریق رایانه و ارتباط از راه دور، بدون توجه به جغرافیای فیزیکی است که اصطلاح آن توسط ویلیام گیسون به کار برده شد؛ اصطلاحی که برای توصیف طیف وسیعی از منابع اطلاعاتی از طریق شبکه‌های رایانه‌ای است که توسط داده‌های دیجیتال رد و بدل می‌شود (عسکرزاده و جوادیان نیک، ۱۳۹۸). فضای مجازی عبارت است از محیطی که در آن برقراری ارتباطات، رؤیت و انتقال اطلاعات (به صورت غیرقابل لمس و با اشغال اندکی از محیط قابل لمس) در ساختارها و قالب‌هایی به

عنوان خدمات به انسان‌ها، طراحی و کنترل می‌شود. بنابراین، کلیه‌ی خدمات، ابزارهای سخت و نرم، محتواها، ارتباطات، قالب‌ها و... دنیای اطلاعات و ارتباطات، شامل فضای مجازی می‌شود (کهنوند، ۱۳۹۶).

هدف از آموزش مجازی، فراهم نمودن امکان دسترسی یکسان، رایگان و جستجوپذیر در دوره‌های درسی و ایجاد فضای آموزشی یکنواخت برای اقشار مختلف در هر نقطه و بهینه‌سازی شیوه‌های ارائه مطالب درسی به منظور یادگیری عمیق‌تر است (عرب‌مختاری، ۱۴۰۱). در چنین فضای آموزشی برخلاف روش‌های آموزشی سنتی استاد محور، افراد به اندازه‌ی توانایی خود از موضوعات بهره‌مند می‌گردند؛ اینکه در آموزش مجازی می‌توان از ترکیب نمودن شیوه‌های مختلف یادگیری، از قبیل متن، صوت و تصویر به حداکثر بازده در یادگیری دست یافت (جعفریان و مؤیدیان، ۱۳۹۷).

شبکه‌های اجتماعی در زمینه‌های آموزشی با قوت گرفتن بحث پیرامون فرآیند یادگیری متمرکز بر روابط اجتماعی و فناوری افزایش یافت (حقایقی و کارشکی، ۱۳۹۴). پیشرفت فوق‌العاده‌ی ارتباطات الکترونیکی به آموزش از راه دور موقعیت جدیدی بخشیده است و آن را به رهیافتی آموزشی برای آموزش شاغلین و برای افرادی که برای یادگیری قادر به حضور در مدارس و دانشگاه‌ها نیستند، تبدیل کرد (عرب‌مختاری، ۱۴۰۱). اگر چه پاندمی کرونا، مشکلات زیادی بر تمام شاخص‌های جامعه از جمله سلامت مردم تحمیل کرد، اما منجر به شکوفایی برخی قابلیت‌ها در کشور شد که از جمله آن می‌توان به فراگیر شدن و رونق یافتن آموزش مجازی در سراسر کشور اشاره کرد (غفوری فرد، ۱۳۹۹). آموزش دانش‌آموزان در ابتدا با پخش برنامه‌های تلویزیونی از شبکه آموزش آغاز گردید اما خیلی زود به علت ماهیت یک طرفه بودن ارتباط کافی به نظر نمی‌رسید، بنابراین از معلمان خواسته شد در کنار آموزش‌های تلویزیونی جریان آموزش را از طریق پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی پیگیری کنند. به منظور ساماندهی آموزش مجازی دانش‌آموزان در وزارت آموزش و پرورش، شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد)

طراحی و سازماندهی شد که در واقع یک شبکه اجتماعی مخصوص دانش‌آموزان است (پوراسکندری و فرج‌اللهی، ۱۳۹۵). این شبکه و روش‌های تکمیلی که معلمان و دانش‌آموزان به کار گرفتند، زمینه استمرار آموزش را فراهم کرد. به تدریج دانش‌آموزان در بستر مجازی با معلمان در ارتباط قرار گرفتند و بخشی مهم از مطالب به اکثریت دانش‌آموزان آموزش داده شد (بهارلوئی و افراسیابی، ۱۳۹۹).

- مزیت آموزش در منزل

مقارن با تحول تکنولوژی ارتباطی در دهه‌های اخیر، آموزش در منزل به عنوان جایگزینی برای آموزش در مدرسه در بسیاری از کشورها گسترش یافته است. در سال‌های اخیر، خانواده‌ها به دلایل متعدد از جمله ارزش‌های خاص فرهنگی و مذهبی، عدم تناسب برنامه‌های مدرسه با نیازهای فرزندان و پایین بودن سطح آموزش در برخی مدارس به آموزش فرزندان خود در خانه رغبت بیشتری نشان داده‌اند (شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۹۶). در آمریکای شمالی آموزش در منزل گسترش یافته است و به عنوان یک سبک آموزشی پذیرفته شده است. از دیدگاه جامعه‌شناختی این تمایل با رشد ایدئولوژی نئولیبرال تبیین می‌شود. از این دیدگاه الزامات اساسی زندگی امروزی و فشارهای ناشی از ازدیاد جمعیت، انسان‌ها را به سوی این نوع آموزش سوق داده است. علاوه بر این والدین نیز از اینکه در یک حرکت اجتماعی مشارکت دارند، احساس رضایت می‌کنند. حس کارآمدی، پیوند با شبکه‌های اجتماعی و فعالیت گروهی از متغیرهایی هستند که با احساس رضایت والدین رابطه دارند (کیانی و حسین نژاد، ۱۴۰۰).

دیکشنری کمبریج یادگیری و آموزش الکترونیکی را به عنوان یادگیری از طریق مطالعه در خانه با استفاده از کامپیوتر و دوره های آموزشی ارائه شده در اینترنت تعریف می‌کند (حاجی، محمدی‌مهر و محمدآذر، ۱۴۰۰). بزرگترین مزیت آموزش در منزل این است که می‌توان با توجه به ویژگی‌ها، علایق و توانایی‌های هر دانش‌آموز برای او برنامه ریزی نمود. مدت زمان دوره تحصیلی نیز با توجه به توانایی دانش‌آموز تنظیم می‌شود و آنان مجبور نیستند با همکلاسی‌های خود همگام باشند. بدین ترتیب از آموزش لذت برده، دچار اضطراب و نگرانی نمی‌شوند (شکوهی

یکتا و پرند، ۱۳۹۶). مزیت و فرصت‌های کلی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در آموزش شامل توانمند سازی آموزشگران و فراگیران، دسترسی به محتوای یادگیری، مشارکت فعال یادگیرندگان در ساخت و تولید دانش، تسهیل تعاملات اجتماعی، بالا بردن سرعت تولید و نشر دانش، دسترسی در هر زمان و هر مکان، انعطاف‌پذیری و باز بودن، ارتقای خلاقیت و نوآوری، بهبود کیفیت و بهره‌وری از نتایج و یادگیری مادام‌العمر و مستقل شدن یادگیرنده است (سلیمان پور عمران و یوسفی مقدم، ۱۳۹۸). تهدیدهای کاربرد شبکه‌های اجتماعی در آموزش نیز عبارت از آموزش آموزشگران و مقاومت آنان در برابر تغییرات جدید، ویژگی‌های یادگیرندگان، امنیت و حفظ حریم خصوصی، اعتیاد به اینترنت، لزوم طراحی روش‌های جدید تعلیم و تربیت متناسب با ابزارهای جدید، مقاومت متولیان آموزش و پرورش، آموزشگران و حتی یادگیرندگان در برابر ایجاد تغییر و کسب مهارت‌های دیجیتالی و دسترسی با اینترنت است (عرب-مختاری، ۱۴۰۱).

- پیامدهای آموزشی و تربیتی دوره ابتدایی در فضای مجازی

آسیب شناسی فضای مجازی خاصه در دوره ابتدایی موضوع مهمی است. دانش‌آموزان در شرایطی وارد دنیای مجازی شدند که اطلاعات، آگاهی، تسلط، سواد و شناخت دقیقی از فضای جدید و سواد دیجیتال نداشتند و این موجب شد که بچه‌ها از کلاس و مدرسه و زمان خود فاصله بگیرند و ماهیت آموزش فرازمانی و فرامکانی فضای مجازی باعث شد آنها در همه فضاها مجازی سیر کنند و این دغدغه که هویت فردی و جمعی آنان در پهنای این سیر افراطی چه شکلی گرفت هنوز در ابهام است. نکته‌ی بعدی این است که بچه‌ها باید دائماً از ساخته‌ها و تجارب قبلی ایده‌ی جدید بگیرند و بنا به آن ساخت‌شناسی حوزه‌های شناخت جدیدی برایشان ایجاد شود. مصداق این است که دانش‌آموزان پایه اول شناختی از مدرسه نداشتند و این رخداد تداوم کار را سخت کرد. ایجاد مشکلات جسمی، عاطفی، اجتماعی و مهارتی بر اساس قرنطینه‌ی خانگی و یادگیری سیار مشهود بود که این اتفاق ضرورت پرداختن به مشکلات فضای

مجازی را دوچندان کرد. افت تحصیلی در شرایط کرونا بیشتر شد و بچه‌های بازمانده از تحصیل در مناطق حاشیه احتیاج به نگاه ویژه داشتند. بچه‌ها درحوزه ارزشیابی و یادگیری به مادرشان وابستگی افراطی پیدا کردند و حضور در مدرسه و ارزشیابی برایشان سخت شد و این آسیب یک دست انداز جدی و قابل تامل است که پسا کرونا را متأثر می‌کند (محمدی، ۱۴۰۲).

- بررسی مسائل و مشکلات تربیتی دانش آموزان در آموزش مجازی

از مهمترین تغییرات شدید در بحران کرونا در زندگی کاری بیشتر والدین، افزایش نقش آنان، به ویژه مادران، در شرایط گسترش آموزش مجازی از سوی آموزش و پرورش، در کنار سایر نقش‌ها، در نقش چهارم که نقش معلم ثانویه در آموزش فرزندان، نیز حضور یافتند (اندرو، کاتان، کاستادیاس، فارکوهارسون، کرافتمن؛ ۲۰۱۹). به طور کلی توافق شده است که مشارکت والدین شامل فعالیت‌هایی است که هم در خانه و هم در مدرسه برای حمایت از یادگیری و همچنین ارتباط بین مدرسه و خانواده انجام می‌شود. مادران که همیشه نقشی مؤثر در پیگیری تکالیف درسی و آموزش فرزندان داشتند، تحت این شرایط جدید در حال تجربه کردن پدیده‌ای متفاوت شدند. این پدیده در مورد مادران دانش آموزان دبستانی از اهمیت بیشتری برخوردار بود، زیرا دانش آموزان دبستانی گاهی توان استفاده از این شبکه‌ها را نداشته، گاهی شیطنت می‌کنند و شانه از کلاس‌های الکترونیک خالی می‌کردند و گاهی نیز حضور آنها در اینترنت مخاطراتی داشت. برای کودکانی که تازه قدم به محیط آموزشی گذاشتند، آموزش مجازی به معنای حضور تمام وقت مادر برای مدیریت و رسیدگی به آموزش کودک در فضای مجازی بود. تداخل و تعدد نقش‌های چندگانه، مادران را با محدودیت زمانی و با تحلیل مضاعف انرژی مواجه ساخت. برای مادری که در جامعه و خانواده تعلیم و تربیت پسندیده و شایسته فرزند از او انتظار می‌رفت، مراقبت از آسیب‌ها و مسائل آموزشی پیامدهای استفاده از فضای مجازی و در اختیار گذاشتن گوشی موبایل نزد فرزند، نگرانی‌های مضاعفی

را ایجاد کرد و همین نگرانی‌ها سبب تنگ‌تر شدن زمان فراغت و استراحت مادران و اختصاص دادن زمانی طولانی برای مراقبت و پیگیری و کنترل فرزندشان در زمان آموزش مجازی شد (بهارلویی و افراسیابی، ۱۳۹۹).

آموزش مجازی از طریق درگیر کردن مادران در آموزش، اطمینان از یادگیری، ارسال به موقع تکالیف و مواردی مشابه، تجربه متفاوت و مسئولیت مضاعف را برای آنها ایجاد کرد. چندگانگی نقش (مادری، همسراری، خانه‌داری، معلمی) سبب شده است تا مادران فرصت کافی برای رفع نیازهای شخصی نداشته باشند. در نتیجه یکی از پیامدهای آموزش مجازی در زندگی روزانه مادران فشار مضاعف روانی است (دریفوس، ۱۳۹۶).

به نظر دریفوس (۲۰۰۸) دانش آموزان به تعامل حضوری با یکدیگر نیاز دارند، لذا عدم حضور در محیط مدرسه و عدم ارتباط چهره به چهره با همسالان سبب سستی و فاصله گرفتن نقش دانش آموز می‌شود. دانش آموزان در زمان حضور در فضای مدرسه و فراغت با همسالان خود معنای متفاوتی از زندگی دریافت می‌کردند. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که آموزش مجازی برای مادران به بار آورده، تلاش برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان است تا آنها را به انجام دادن تکالیف و توجه به آموزش سوق دهند (بهارلویی و افراسیابی، ۱۳۹۹).

عدم آشنایی بسیاری دانش آموزان دوره ابتدایی با آموزش به صورت مجازی، سبب شد تا مادران در نقش مادر/معلمی ظاهر شوند و خود بخشی از مسئولیت آموزش را به عهده بگیرند. در کنار تلاش و فشار روانی مادران برای اطمینان یافتن از یادگیری فرزندان در جهت افزایش مهارت، می‌توان نگرانی‌هایی را دید که در زمینه ضعیف شدن پایه تحصیلی فرزندان در مادران رخنه کرده و در نتیجه مادران را با تردید در یادگیری و سنجش مواجه ساخته است. در سطحی دیگر آموزش مجازی منجر به شکستن تابوی مجازی برای دانش آموزان شده و اسباب خو گرفتن آنان با اینترنت و عادت جستجو در اینترنت را فراهم کرده بود. بر اساس دیدگاه مادران، یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی آموزش مجازی،

مدرسه و خانواده را که مشارکت مؤثر والدین را تقویت می‌کند، نشان می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که مدارس، خانواده‌ها و جوامع باید به جای حوزه‌های تأثیر مجزا در زندگی کودک به یکدیگر وابسته باشند (اپستاین، نقل قول ۲۰۱۹).

-تأثیر والدین بر فائق آمدن بر مشکلات آموزش مجازی

دستاوردهای یادگیری دانش‌آموزان تا حد زیادی به توانایی والدین آنها برای ارائه این حمایت بستگی داشت (روبن، ۲۰۱۸)، که والدین بتوانند با دانش خود از موضوعات مختلف و توانایی آنها در استفاده از ابزارهای دیجیتال و آموزش به فرزندانشان کمک نمایند. این فرصت برای یادگیری به موقعیت اجتماعی خانواده‌ها نیز بستگی داشت، اینکه آیا می‌توان به کودکان دستگاه‌های دیجیتالی برای دسترسی به محتوای آموزشی از خانه ارائه داد یا خیر، آیا کودک فرصت دارد فضای یادگیری خود را راه‌اندازی کند یا اینکه والدین این فرصت را داشتند که بر روند یادگیری نظارت کنند، زیرا والدینی وجود داشتند که کارشان مربوط به ارائه وظایف مهم مانند دارو، خدمات اورژانس و تامین کالا مرتبط بود. به طور مشابه، والدینی که مسئولیت‌های کاری روزانه آنها را ملزم به انجام وظایف خود به صورت آنلاین می‌کرد، کمتر درگیر حمایت از فرزندانشان بودند. والدین مجرد، یا والدینی که خودشان به کووید-۱۹ مبتلا شده‌اند، نمی‌توانند به طور مشابه، والدین که مسئولیت‌های کاری روزانه آنها را ملزم می‌کرد که به انجام وظایف خود به صورت آنلاین ادامه دهند، کمتر درگیر حمایت از فرزندانشان بودند. و نمی‌توانستند به طور کامل در فرآیند آموزش خانگی کودکان مشارکت داشته باشند. مطالعات پیشین نشان داده است که خانواده‌هایی با درآمد بالاتر و سطح تحصیلات والدین بهتر می‌توانند با این بحران کنار بیایند و از مزایای آموزش از راه دور راضی هستند (راجرز و شوتلن، ۲۰۲۰؛ کسون، ۲۰۲۱).

بر این اساس طبیعتاً می‌توان نتیجه گرفت که همه دانش‌آموزان از نظر کسب آموزش در این فرآیند یادگیری از راه دور در موقعیت یکسانی نبودند، بنابراین یکی از مزایای مشارکت عمیق والدین در فرآیند یادگیری این بود که آنها از آنچه فرزندانشان باید بیاموزند آگاهی بیشتری پیدا کردند و توانستند در مورد موضوعاتی که

مجاز شمردن دسترسی فرزندان به اینترنت و شکسته شدن مرزها، ممنوعیت‌ها و قواعد استفاده از اینترنت است که یک تهدید برای خانواده‌ها به‌شمار می‌آید و چالشی گسترده برای مادران در پی داشت. همچنین نزد مادران و دانش‌آموزان نشستن پشت سیستم و یا تماشای آموزش دروس گوناگون از طریق تلفن همراه و در صفحه‌ای کوچک که نظارت معلم و کادر آموزشی مدرسه بر آن وجود ندارد کمی ناشناخته است (طورانی و رستمی، ۱۳۹۷).

همچنین مطالعات مختلف نشان داده است که والدین احساس می‌کردند که نمی‌توانند به اندازه کافی در آموزش از راه دور به کودکان کمک کنند (باب و جونز، ۲۰۲۰)، زیرا آنها اصول یادگیری را به طور کامل درک نمی‌کردند، دانش خاصی در مورد موضوعات خاص در آموزش به فرزندان نداشته و احساس انزوا می‌کردند و این به لزوم تحلیل دیدگاه والدین برای تعریف اشکال احتمالی همکاری بین مدارس و والدین کودکان اشاره دارد (بورک، ۲۰۲۱). با این حال، علیرغم مزایایی که والدین در طول دوره اول مدرسه تجربه کردند، چالش‌های متفاوتی نیز وجود داشت. جنبه‌های رفاه خانواده، نیز مهم بودند. زمانی که والدین باید به فکر تهیه وسایل فنی برای فرزندان خود می‌افتادند، باید به کودکانی که قبلاً از این وسایل استفاده نکرده بودند نیز آموزش می‌دادند و در عین حال خود والدین مجبور بودند به انجام وظایف کاری خود ادامه دهند تا تداوم زندگی خانگی خود را تضمین کنند (دانیلا، روبنه و رودلفا، ۲۰۲۰).

مطالعات نشان داد که "خوشبختی و موفقیت کودکان در مدرسه تحت تأثیر نگرش والدین آنها نسبت به تجربه آموزشی فرزندشان و مشارکت آنها در آن است. البته که تحقیقات نشان می‌دهد که همه‌گیری تأثیر منفی بیشتری بر مادران داشته است، اما در عین حال، مراقبت در منزل همچنان بر عهده زنان است و مسئولیت حمایت از یادگیری کودکان مستقیماً بر عهده مادر می‌باشد و مادران در ارائه حمایت‌های یادگیری مشارکت بیشتری داشتند. در این شرایط، زمانی که والدین مجبورند به صورت تصادفی عامل آموزش خانگی شوند، مزایا و خطرات مختلفی وجود دارد که باید هنگام برنامه‌ریزی حمایت‌های پس از بحران برای پر کردن شکاف آموزشی در نظر گرفته شود، مجموعه‌ای از تحقیقات آموزشی وجود دارد که اهمیت مشارکت‌های قوی

برای آنها مهم بود بحث کنند. همچنین مشخص شد که والدین کسانی هستند که دانش آموزان را برای یادگیری بیشتر تشویق و در هنگام مواجهه با مشکلات یادگیری از آنها حمایت اجتماعی و عاطفی می کنند (باب و جونز، ۲۰۲۰).

آموزش مؤثر و هدفمند در فضای مجازی اهمیت بسیاری دارد چرا که در صورت ناکارآمد بودن تعلیمات برای دانش آموز و اولیای آنها، در فرایند آموزش و یادگیری اختلال به وجود می آید. چه بسا زمینه را برای افت و یا ترک تحصیلی آنها نیز به وجود می آورد. در مقطع دبستان نیازمند آموزش صحیح و اصولی می باشد تا دانش آموزان مفاهیم پایه را به نحو بهتری فراگیرند تا توان و فرصت ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را داشته باشند در غیراینصورت دانش آموزان خسارت های جبرانناپذیری را متحمل می شوند (آرین نیا، ۱۴۰۱). عادت به ارزیابی حضوری و نامأنوس بودن ارزیابی مجازی والدین در فرآیند یادگیری آنها را دچار شک و تردید در سنجش فرزندانشان کرده بود. اغلب مادران نگرانی آسیب های تحصیلی و ضعیف بودن پایه تحصیلی فرزندانشان و مشکلات ورود به پایه تحصیلی بالاتر را داشتند (طورانی و رستمی، ۱۳۹۷). منظور از آسیب های تحصیلی شامل چهار مفهوم اولیه افت تحصیلی، کم توجهی به امور تحصیلی، کاهش زمان مطالعه، و سرقت علمی است. فعالیت بیش از حد فرد در این شبکه ها با اتلاف وقت همراه است و در نتیجه زمان مطالعه فرد نیز کاهش پیدا می کند که این خود یکی دیگر از آسیب های تحصیلی این شبکه ها بر سلامت روان دانش آموزان است. بر این اساس، به عقیده باومن (۲۰۰۴) هر چه انسان به تنوع فضای مجازی بیشتر توجه کند و بیشتر آن را فرا گیرد، وقت کمتری را به کسب و به کارگیری مهارت های لازم برای فضای غیرمجاز اختصاص می دهد (باومن، ۱۳۹۸).

والدین همچنین کار معلمان را که قبلاً قردانی نکرده بودند، تحسین کردند (یونگ و وو، ۲۰۲۱). آنها همچنین در مورد احتمال بیماری و احتمال از دست دادن بیمار، یا از دست دادن کار و روابط مورد تاکید قرار گرفتند (باب و جونز، ۲۰۲۰). شواهدی وجود دارد که نشان می دهد این بحران می تواند نقطه

عطفی در عادات یادگیری بسیاری از دانش آموزان با تأکید کمتر بر پیروی از دستورالعمل های معلم و بیشتر بر یادگیری خودتنظیمی دانش آموز باشد (هولت و فارنگا، ۲۰۱۷).

از نظر بسیاری از مادران، تفاوت اساسی میان محیط مدرسه و محیط خانه، تاحدی به دلسردی و دلزدگی فرزندان از یادگیری و آموزش و در نتیجه فاصله گرفتن نقش دانش آموز منجر شد. این مقوله به معنای عدم جدی گرفتن درس و کم توجهی به تکالیف از سوی دانش آموز است (دریفوس، ۱۳۹۶).

اشراف خانواده ها به این حوزه و نظارت بر عملکرد دانش آموزان در آموزش مجازی، هدف گذاری برای پرسه زنی در صفحات مجازی و تحمیل زمان بندی به آن، می تواند تا حدودی مانع از افت تحصیلی و به کارگیری ظرفیت های بالقوه دانش آموزان شود (آرین نیا، ۱۴۰۱).

-آموزش والدین مبتنی بر مسائل آموزشی و تربیتی

در دوره ی آموزش مجازی مادران دستیار معلم بودند و اگر این کمک نبود ماموریت معلم به سختی جلو می رفت. فقط سوال این است این همیاری فقط در جهت انتقال دانش و معلومات بود و یا تربیت هم ملاک بوده است. برخی از والدین درحاشیه شهر و مدارس لازم التوجه حتی سواد خواندن نداشتند. ازمنظری دیگر، محیط یادگیری، فرصت ها، موقعیت ها و فضاهای آموزشی در فرایند آموزش مجازی محدود بود. این همیاری فقط در جهت انتقال دانش و معلومات نبود و تربیت هم ملاک بود. چرا که موقعیت های تربیتی مدرسه بی بدیل است بچه ها در مدرسه باهم بازی کردن، باهم حرف زدن رایاد می گیرند. باهم مدارا، همکاری، سازگاری و توافق کردن را تمرین می کنند و مدیریت زمان را یاد می گیرند. بنا بر تهدید و آسیب ایجاد شده بچه ها فرصت باهم بودن را از دست دادند. نمازخانه مدرسه یک موقعیت تربیتی است. سرویس دانش آموزی و کانون ها و پژوهش سراها و .. محیط های یادگیری خوبی هستند که در دوره یادگیری مجازی بدون استفاده ماندند. در این دوره ی آموزش مجازی، گردش های علمی و اردوها حذف شد و بچه ها خانه نشین

شدند (دانیل هپینگ، ۱۳۹۸). لذا آموزش با استفاده توام از فضای مجازی در پسا کرونا اگر آمیخته به تربیت نباشد مشکلات عدیده- ای که بخشی از آن در این پژوهش مطرح شد بروز می کند که آینده و پیشرفت دانش آموزان را به مخاطره می اندازد. لذا تأکید بر آموزش والدین مبتنی بر مسائل آموزشی و تربیتی است. در خانواده والدین در موضعی هستند که می توانند به گونه- ای رفتار کنند که نتیجه آن هدایت رفتار کودک باشد. بنابراین هنگامی که کودک رفتار نامطلوب در منزل نشان می دهد، دلیل آن می تواند واکنش های نامناسب یا ناهمسان والدین باشد. در واقع والدین ممکن است نادانسته رفتار نامناسب فرزند خود را تقویت کنند. از این رو اصلاح رفتاری والدین، پیش نیازی است بر اصلاح رفتاری کودک، که ضرورت آموزش والدین را ایجاب می کند. دلیل دیگر برای آموزش اولیاء به جای کار با کودک این است که والدین بیشترین وقت خود را با فرزند خود سپری می- کنند، بنابراین تأثیر رفتار والدین روی رفتار کودک به مراتب بیشتر از تأثیر روابط درمانگر، مربیان و معلمان مدارس بر کودک است. یکی از هدف های مهم آموزش والدین ایجاد تغییرات مناسب در رفتار آنها در زمینه ارتباط پدر و مادر با فرزندانشان می باشد. اکثر تظاهرات عاطفی را فرزند از والدین فرا می گیرد. الگوهای متفاوت در رفتار والدین، به واکنش ها و عکس العمل- های مختلف فرزندان که گاه سازگارانه و گاه ناسازگارانه است می انجامد. در آموزش اولیاء عقیده اصلی بر آن است که والدین در هر سنی می توانند فراگیرند و به توسعه مهارت های خود بپردازند (نبوی و اسماعیلی، ۱۳۹۵).

عواملی نظیر ورود تکنولوژی به کشورهای جهان سوم و ایجاد تحولات سریع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ارزشی در جوامع در حال توسعه و فشارهای فرهنگی غرب اقتضا می کند تا پدران و مادران با دستاوردهای جدید تعلیم و تربیت آشنا شوند و با به کارگیری روش های تربیتی صحیح و با حفظ ارزش های فرهنگی و اعتقادی جامعه به پرورش فرزندان خود اهتمام ورزند. همچنین اغلب افراد، والدین را به خاطر کودکان و نوجوانان شرور و نا آرام و ناموفق، که هم برای خودشان و هم برای مدرسه و جامعه مشکلاتی به وجود می آورند، مورد سرزنش قرار می دهند و برای این گونه والدین گذراندن دوره های آموزش مبتنی بر مسائل

تربیتی کمک مؤثری خواهد نمود (نوابی نژاد، ۱۴۰۰). از این رو، در راستای آموزش والدین در زمینه مسایل تربیتی فرزندان، از اوایل قرن بیستم در برخی از کشورها کلاس هایی در مدارس برای آموزش مسایل تربیتی به اولیای دانش آموزان طراحی و اجرا شده است. در حال حاضر دوره های آموزش والدین در سراسر کشور ایران، براساس دستورالعمل جامع آموزش خانواده (مصوب شورای عالی انجمن اولیاء و مربیان، تیر ماه ۱۳۷۷) به منظور افزایش آگاهی های تربیتی والدین و رفتار مناسب در محیط خانواده و اجتماع، در سطح مدارس تشکیل می شود.

بنابراین، از آنجایی که برخی از مشکلات بین فردی کودکان، از جو روانی- اجتماعی نامساعد در خانواده آنان نشأت می گیرد؛ لذا سیاست گذاری برای تدوین و اجرای برنامه آموزش خانواده، به منظور افزایش امنیت روانی یادگیرندگان ضرورت می یابد. همچنین، آموزش مهارت های ارتباطی مؤثر، و راهکارهای مقابله با استرس به والدین، برای مواجهه با مشکلات مشابه توصیه می- شود. ارتباط مؤثر هم بهزیستی کودکان، و هم بهزیستی خانواده ها را در طولانی مدت افزایش می دهد. به علاوه، حمایت اجتماعی اطلاعاتی و ارائه اطلاعات مناسب به کودکان می تواند به کاهش استرس آنان کمک کند (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۹).

در طول زندگی شرایط و موقعیت هایی برای خانواده ها به وجود می آید که برخورد متناسب با چنین موقعیت هایی مستلزم آشنایی و کسب اطلاعات جدید می باشد. تشکیل دوره های آموزشی پدران و مادران یکی از راه های مهم کسب صلاحیت به منظور ایفای نقش مؤثر خانواده است زیرا که از طریق آموزش اولیاء، خانواده ها نسبت به توانایی ها و ظرفیت های بالقوه خویش آگاهی یافته و آمادگی لازم را برای مواجهه با شرایط و موقعیت- های مختلف در تربیت فرزندان و ایجاد کانون گرم خانوادگی کسب می نمایند (دستورالعمل جامع آموزش خانواده، ۱۳۸۷). یافته های پژوهش کریستین سون و همکاران (۲۰۱۳) درخصوص آموزش والدین نشان می دهد که انتظارات بالای پدر و مادرها از عملکرد بچه هایشان در مدرسه، همسو با عملکرد مثبت آموزشی آنها در مدرسه است و این موضوع به ادراک بچه ها از انتظارات والدین بر می گردد. والدینی که از بچه ها انتظار دارند و آنها را از لحاظ فکری پرورش می دهند، پاسخگوی احساسات آنها هستند

و از پیشرفت آنها حمایت می‌کنند نقش مؤثری در عملکرد تحصیلی فرزندان شان دارند. نتایج تحقیق سعادتی (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با الگوهای فرزندپروری مقتدرانه در مقایسه با سایر الگوهای فرزندپروری در سطح بالاتری می‌باشد. وی در نتیجه‌گیری پژوهش بیان می‌دارد که لازم است والدین از شیوه‌های فرزندپروری و تأثیر هر کدام از الگوها بر وضعیت روانی، رفتاری و رشد شخصیت فرزندان شان آگاهی لازم را کسب نمایند و شرکت در دوره‌های آموزش والدین به این امر کمک شایانی می‌نماید.

در واقع یکی از نکات مهم مربوط به برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه‌های آموزش والدین، توجه به نیازهای آموزشی با توجه به شرایط زمانی، اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی منطقه سکونت آنها است که براساس آن محتوای برنامه آموزشی طراحی و تدوین می‌شود. طراحی، تدوین و اجرای هر برنامه آموزشی برای رسیدن به اهداف موردنظر، نیاز به تمهید مقدمات، تهیه محتوای آموزشی مناسب، تعیین فرآیندها و شیوه‌های اجرایی و در نهایت روش‌های ارزشیابی مناسب دارد. برنامه آموزش والدین دانش‌آموزان ابتدایی مبتنی بر مسائل آموزشی و تربیتی نیز از این قاعده پیروی می‌نماید (نبوی و اسماعیلی، ۱۳۹۵).

رفع موانع علمی و اجرایی برگزاری دوره‌های آموزشی و تربیتی خانواده، موجب افزایش ارتباط بیشتر خانه و مدرسه شده و به تبع آن باعث علاقه‌مندی بیشتر اولیای دانش‌آموزان برای شرکت در این دوره‌های آموزشی می‌شود. این دوره‌های آموزشی ضمن تقویت روابط خانوادگی و استحکام نهاد خانواده، می‌تواند معلومات و آگاهی‌های پدران و مادران دانش‌آموزان را در زمینه مسائل تربیتی و مراحل مختلف رشد فرزندان افزایش دهد، تا بدین وسیله ضمن پیشگیری از بروز ناهنجاری‌های رفتاری و روانی در فرزندان، زمینه شکوفایی استعدادها و بالقوه آنان را نیز فراهم نماید. بررسی مشکلات نظام آموزش و پرورش ایران این واقعیت را نشان می‌دهد که برای تحقق اهداف آموزشی دوره‌های تحصیلی، تعامل و مشارکت والدین در امور آموزشی و پرورشی

دانش‌آموزان امری ضروری است. نتایج پژوهش حکیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که نیازهای اخلاقی مذهبی مهمترین نیاز آموزشی والدین و نیازهای اجتماعی فرهنگی، روان-شناختی تحصیلی فرزندان، مسایل نوپدید و مسایل جسمی بهداشتی به ترتیب در اولویت بعدی برنامه‌های آموزش والدین قرار دارند.

همچنین نتایج پژوهش مظاهری (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که میان نیازهای آموزشی والدین تفاوت معنادار وجود دارد و نیازهای آموزشی آنها به ترتیب اولویت مسایل تربیتی و روان‌شناسی، مسایل مربوط به مشکلات رفتاری، مسایل تحصیلی و شغلی، مسایل مربوط به تربیت جنسی و ازدواج، مسایل مرتبط با بهداشت جسمی و تغذیه فرزندان می‌باشد.

رفتارشان تا چه حد برای دیگران مخرب و آزاردهنده است (هائین و ونیو ونه‌وون، ۲۰۱۹). همچنین کودکان در این دوره علاقه‌مندند که معلم خود را خشنود کنند و از اینکه از جانب وی مسئولیتی به آنها سپرده شود لذت می‌برند. واگذاری کارهای نوبتی ساده به آنها و بهره‌گیری از شیوه‌هایی که بتوانند به فرصت‌های یکسانی در جهت یاری رساندن و کمک نمودن به معلم خود دست یابند و تایید او را دریافت کنند حائز اهمیت است (شلدون و اپستین، ۲۰۰۲).

توجه به هر یک از خصوصیات فوق جهت رشد و توسعه قابلیت‌های وجودی کودکان ضروری است و از اهمیتی دوجندان برخوردار می‌باشد. در واقع زیربنای توسعه هر کشوری از طریق آموزش و پرورش آن کشور نهاده می‌شود که ستون‌های اصلی آن را باید در آموزش ابتدایی جستجو کرد. این اهمیت به اندازه‌ای است که بی‌توجهی به آن، آثار زیانباری را در ابعاد مختلف بر پیکره پیشرفت و تعالی جوامع بر جای می‌گذارد (راکانللو و همکاران، ۲۰۱۹).

- مشکلات فضای مجازی دانش‌آموزان ابتدایی در فرآیند یادگیری

توجه به دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی با مختصات دوره کودکی که ذکر شد، ضروری است چرا که در دنیای امروز، اطلاعات و دانش به سرعت در حال تغییرند. فرآیند تدریس و یادگیری نیز در حال تغییر است. استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند منجر به توسعه کیفیت آموزش، گسترش موقعیت‌های یادگیری و قابلیت دسترسی آسان و سریع به آموزش شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹). ظهور فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، تمام ابعاد زندگی بشری را متحول و روند انجام امور را از نظر کیفی و کمی دستخوش تغییرات چشمگیری نموده است. در نتیجه این تغییر و تحولات، مراکز آموزشی با پدیده جدیدی به عنوان فن‌آوری آموزشی روبه‌رو شده‌اند که این پدیده آموزش را از حالت سنتی خارج ساخته و جریان خاصی به نام آموزش مجازی به آن بخشیده است (ورکیول و هیوج، ۲۰۱۹).

دانش‌آموزان دوره ابتدایی در شرایطی وارد دنیای مجازی شدند که اطلاعات، آگاهی، تسلط، سواد و شناخت دقیقی از فضای جدید و سواد دیجیتال نداشتند و این موجب شد که بچه‌ها از کلاس و مدرسه و زمان خود فاصله بگیرند و ماهیت آموزش فرازمانی و فرامکانی فضای مجازی باعث شد آنها در همه‌ی فضاهای مجازی سیر کنند و این دغدغه که هویت فردی و جمعی آنان در پهنای این سیر افراطی چه شکلی گرفت هنوز در ابهام است. نکته‌ی بعدی این است که بچه‌ها باید دائماً از ساخته‌ها و تجارب قبلی ایده‌ی جدید بگیرند و بنا به آن ساخت‌شناسی حوزه‌های شناخت جدیدی برایشان ایجاد شود. مصداق این است که دانش‌آموزان پایه اول شناختی از مدرسه نداشتند و این رخداد تداوم کار را سخت کرد. ایجاد مشکلات جسمی، عاطفی، روحیات و خلقیات و منش اجتماعی و فردی و مهارتی دانش‌آموزان بر اساس قرنطینه‌ی خانگی و یادگیری مجازی مشهود بود که این اتفاق ضرورت پرداختن به مشکلات فضای مجازی را دوچندان کرد. افت تحصیلی در شرایط کرونا بیشتر شد. بچه‌ها در حوزه‌ی ارزشیابی و یادگیری به مادرشان وابستگی افراطی پیدا کردند و حضور در مدرسه و ارزشیابی برایشان سخت شد و این آسیب یک دست انداز جدی و قابل تأمل است که پساکرونا را متأثر می‌کند (محمدی، ۱۴۰۰).

دانش‌آموزان دوره ابتدایی و خانواده‌های آنان، با توجه به خصوصیات دوره کودکی که برشمرده شد، به همین دلیل گاه در جامعه و مدرسه با مشکلاتی مواجه هستند. برنامه‌های آموزشی باید با نیازهای کودکان سازگار باشند و این کودکان باید حمایت‌های آموزشی مختلفی را در زمینه برنامه درسی منظم و نه یک برنامه درسی متفاوت، دریافت کنند (یو و پارک، ۲۰۲۰). به استناد اصل یازده از اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران نیز، برنامه‌های درسی و تربیتی باید برای تمام دانش‌آموزان (عادی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و استعدادهای درخشان) به صورت به هم پیوسته و یکپارچه طراحی و تدوین شود (سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱). مدرسه‌های عادی و حتی استثنایی کشور بیشترین تأکید را بر آموزش خواندن، ریاضی و علوم قرار می‌دهند و جنبه‌های مهم دیگر به فراموشی سپرده می‌شوند درحالی‌که امروزه تأکید زیادی بر آموزش دروس کارکردی و مهارت‌های زندگی در قرن بیست و یک به دانش‌آموزان وجود دارد (مرکز آموزش و پژوهش بین‌المللی برای آموزش روستایی یونسکو؛ موسسه فناوری اطلاعات در آموزش یونسکو و موسسه یادگیری هوشمند دانشگاه پکن، ۲۰۲۰). این در حالی است که کتاب‌های درسی دانش‌آموزان تناسب اندکی با جریان زندگی انسانی در قرن جاری دارند.

در مدرسه پساکرونا، دانش‌آموزان ابتدایی در سال تحصیلی گذشته با افت تحصیلی مواجه و برخی تکرار پایه شدند چرا که دانش‌آموزان به استفاده از آموزش به سبک مجازی و استفاده از فناوری در دوره کرونا در یادگیری عادت کرده و به نوعی وابسته شده‌اند و مصادره به مطلوب این رویداد به پیشرفت مدرسه پسا-کرونا کمک می‌کند. لذا در مدرسه پساکرونا اولین اولویت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نیز همین نحوه استفاده بهینه تکنولوژی در رونق کیفیت آموزشی و یادگیری مدنظر بود. دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی کودکان نسل دیجیتال مادرزادی هستند و تکنولوژی و فناوری با زندگی ایشان عجین است و چه کرونا باشد و یا نباشد و چه یادگیری به سبک فضای مجازی و چه روش‌های حضوری پیش برود، ایجاد تسلط در دانش‌آموزان توسط معلم، اولیا، مدرسه، برنامه درسی، شرکای برون سازمانی و

... برای اینکه در آینده شهروندانی دیجیتالی شایسته باشند یک ضرورت است. فناوری اکنون که تبعات آن دنیا را درنور دیده است تنها موضوعی فنی و ابزاری نیست و از نگاه صاحب نظران تعلیم و تربیت فناوری علاوه بر ماهیت فنی یک نگاه و نگرش است (سرکار آرانی، ۱۳۹۶).

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف به دست آوردن بینشی در مورد تجارب زیسته والدین (مادران) از مسائل آموزشی و تربیتی و چگونگی حمایت والدین کودکان در سنین ابتدایی از یادگیری فرزند خود در خانه در طول دوره قرنطینه دوران کرونا انجام شد و به طور خاص به سؤالات تحقیقاتی زیر رسیدگی کرد: «والدین کودکان دبستانی چگونه مسائل آموزشی و تربیتی فرزند خود در خانه را در هنگام تعطیلی مدارس در نتیجه محدودیت‌های دوران کرونا تجربه کردند؟...». سپس این سؤال کلی با سؤالات هدفمندتری در رابطه با چالش‌های آموزش مجازی، راهنمایی، مسئولیت‌های یادگیری، ارتباط با مدرسه، درک فرزندشان به عنوان یک یادگیرنده و پیشرفت فرزندشان دنبال شد. با عبارت «در مورد تجربه خود در این زمینه صحبت کنید» شروع و سپس، با هدایت صحیح و توجه به مشارکت فرد در جهت موارد مطرح شده گام برداشته و شرکت کننده را ترغیب می‌نمود تا نظرات و عقاید خود را به طور کامل بیان نموده و به توصیف دانسته‌ها، تجربیات و عملکرد خود در این زمینه بپردازند. از آنجا که زبان نگارش گزارش‌های کیفی باید منطبق و متعلق به زبان افراد درگیر باشد. بنابراین، پژوهشگر سعی نموده در ارایه مطالب و نحوه بیان مصاحبه شوندگان وفادار بماند. در زیر به تجربیات شرکت کنندگان در این مصاحبه پرداخته می‌شود. سپس داده‌های مورد نیاز که با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شد از طریق کدگذاری کیفی تحلیل شده‌اند.

نتایج نشان داد که برخی از این مادران از لحاظ روحی حس خوبی را از تعطیلی مدارس در دوران کرونا تجربه نکرده بودند. ویژگی‌های روانی افراد نقش حساسی در پیش‌بینی تجارب دوران کرونا دارد. توجه به مسائل آموزشی و تربیتی فرزندانشان به صورت مستقیم به عنوان عامل اثرگذار بر فرآیند ارتباطی با فرزندانشان گزارش کردند.

این به طور کلی به عنوان یک مزیت مثبت برای والدینی تلقی می‌شد که پس از آن می‌توانستند زمانی را به کار جداگانه با فرزندان خود برای یادگیری خود اختصاص دهند.

در فضای غیرکرونا، بخش اعظم زمان روزانه در اختیار فرزندان بود که در کنش‌هایی چون رفتن به مدرسه یا بازی یا فعالیت‌های ورزشی می‌گذشت. در نبود چنین شرایطی تمامی این زمان با والدین صرف می‌شد. طبیعی است که والدین نیازمند روابط والدین با فرزندان نیازمند شنودگی بیشتر والدین است. این بدان معناست که روابط قدرت در خانواده در فضای کرونا، متفاوت از فضای غیرکروناست. به علت نیاز والدین به گفتگو با فرزندان، لازم است شنونده خوبی باشند، تا فرزندان بتوانند وارد فضای گفتگو و همدلی با والدین شوند.

مهمترین مسئولیتی که مادران در طول سال تحصیلی بر عهده داشتند و در طول تابستان هم برای تمرین و تکرار و آمادگی فرزندان برای پایه دوم تداوم دارد؛ نقش مادر-معلمی است. از نظر مادران مسئولیت آموزشی بر آنها تحمیل شد. علاوه بر این دانش‌آموزان به دلیل حضور محدود در ابتدای سال تحصیلی با فضای مدرسه و کادر آموزشی آشنایی پیدا نکرده در نتیجه ذهنیتی در مورد آن چه که در مدرسه باید انجام داد را ندارند. مادران ضمن تلاش برای آشناکردن فرزندان با فضای آموزشی، آموزش را همزمان پیش می‌بردند. در ابتدای سال تحصیلی عدم همکاری فرزندان، دشواری آموزش را برای مادر و فرزند دو چندان می‌کرد. با این حال اولویت مادران، آموزش بود. آموزش در منزل همراه با مسائل خاص خود، نشان از تغییر محیط یادگیری دارد و آموزش مجازی نمود تغییر شیوه یادگیری است اما مسائلی که همراه با این تغییر اتفاق افتاده است شامل تاخیر حضور در

کرونا و همه‌گیری‌های احتمالی بعدی، اشراف خانواده‌ها به این حوزه و نظارت بر عملکرد دانش‌آموزان در آموزش مجازی و تحمیل زمان‌بندی به آن، می‌تواند تا حدودی مانع از افت تحصیلی دانش‌آموزان و به کارگیری ظرفیت‌های بالقوه‌ی آنها شود.

با توجه به این که برخی از مشکلات بین فردی کودکان، از جو روانی- اجتماعی نامساعد در خانواده آنان نشأت می‌گیرد. لذا آموزش مهارت‌های ارتباطی و همدلی در تعاملات مادر و کودک مؤثر، و راهکارهای مقابله با استرس به والدین، برای مواجهه با مشکلات مشابه توصیه می‌شود. ارتباط مؤثر هم بهزیستی کودکان، و هم بهزیستی خانواده‌ها را در طولانی مدت افزایش می‌دهد. به علاوه، حمایت اجتماعی اطلاعاتی و ارائه اطلاعات مناسب به مادران می‌تواند به کاهش استرس آنان کمک کند.

در کل بر اساس یافته‌های این تحقیق، آنچه در زمینه تجربه زیسته والدین دارای فرزندان مقطع تحصیلی دبستان از مسائل آموزشی و مسائل تربیتی در دوران کرونا درک می‌شود، به این موضوع اشاره دارد که مادران درگیر بسیاری از فشارها، نگرانی‌ها و برخی دل‌خوشی‌ها در زمینه‌های مختلف روانی- اجتماعی و خانوادگی در زندگی با کودک خود می‌باشند. بسیاری از این نگرانی‌ها و ناامیدی‌ها به عدم آگاهی و شناخت کامل از چگونگی ارتباط و آموزش به فرزندان مقطع تحصیلی دبستان و کنارآمدن با افکار و احساسات خویش، ویژگی‌های شخصیتی و نگرشی مادر، فشارها و رفتارهای ناسازگارانه کودک در دوران بحران کرونا و همچنین عدم وجود پشتوانه‌های اجتماعی و خدمات آموزشی دولتی برمی‌گردد. در این میان تصورات، نگرش‌ها و بازخوردهایی که افراد جامعه، خانواده و حتی سیستم آموزش و پرورش ابتدایی به مادران این کودکان تحمیل می‌کنند نیز می‌تواند بسیار در تجربه زندگی در مسائل آموزشی و تربیتی دانش‌آموز ابتدایی در شرایط کرونا مؤثر باشد. در نتیجه شناخت وضعیت روانی مادران، توجه به نیازها و مشکلات آنها، همکاری و همیاری بیش‌تر متخصصان و والدین و تلاش در جهت درک دنیای مادران دارای فرزندان مقطع تحصیلی دبستان و فراهم نمودن منابع حمایتی و آموزشی برای این افراد در جهت تأمین سلامت روان و پیشرفت تحصیلی آنها بسیار ضروری به

کلاس مجازی، سردرگمی درسی فرزند، جایگزینی تلفن همراه به جای تعاملات، دشواری آموزش آنلاین، تاخیر در انجام تکالیف، وابستگی فرزند به مادر، تعلیق حضور در مدرسه و آموزش مجازی، عدم یادگیری در کلاس آنلاین، تعمیق کمتر یادگیری به دلیل عدم تکرار، اختصاص زمان کوتاه‌تر از مدرسه برای آموزش و عدم نتیجه مطلوب مانند مدرسه، است.

یکی از مهمترین مساله والدین و مادران در همه‌گیری کرونا، چگونگی ارتباط با فرزندان است. از آنجا که والدین و فرزندان زمان زیادی را در کنار یکدیگر هستند، ایجاد فضای تعاملی جدید در روابط خانواده بعثت قرنطینه از یک سو، دغدغه‌های والدین راجع به بیماری و اخبار و اطلاعات که از رسانه‌ها پخش می‌شود از سوی دیگر به شکل‌گیری کنش‌های اخلاقانه خاصی انجامید، تا مادران بتوانند به هر شکل ممکن جو را کنترل کنند. طبیعتاً در فضای جدید والدین بایستی ارتباط بهتر و مبتنی بر تعامل و گفتگوی بیشتری نسبت به گذشته داشته باشند. چرا که تفاهم نداشتن باعث دلخوری‌ها و ایجاد خلل در رابطه والدین با فرزندان شده که پیامد آن در شرایط قرنطینه خانگی و فاصله‌گذاری اجتماعی فشارهای مضاعفی است که به خانواده وارد می‌گردد.

نقش مادری به ویژه در این دوران خاص با مسئولیت‌های پیوسته و فارغ از زمان و مکان که با استرس همراه بوده و به صورت تمام وقت در حال انجام مسئولیت‌های خود بوده، باعث کاهش انرژی او شده و همچنین فرصتی برای فراغت و انجام فعالیت‌های مورد علاقه خود ندارد، به تدریج موجب فرسودگی او می‌شود. والدین در شرایط آموزش‌های مجازی و ترکیبی نقش مضاعفی داشتند و می‌بایست همسو با معلم و هم جهت با روش‌های تربیتی معلم گام برمی‌داشتند. برنامه منسجم و دپارتمان‌های مفید برای آموزش والدین وجود ندارد و آموزش‌ها به صورت پراکنده در قالب آموزش خانواده، انجمن اولیا و مربیان،... انجام می‌شود که اهداف واحدی را دنبال نمی‌کنند و اولیا در ابتدایی به عنوان همیاران و دستیاران معلمان به رسالت و نقش خود واقف نیستند.

بدون تردید اگر در امر تعلیم و تربیت همراهی و همکاری والدین و خانواده‌ها نباشد احتمال موفقیت در آن بسیار کم خواهد بود. آموزش دقیق درباره‌ی فضای مجازی، به روز رسانی نظام آموزشی همراه با تحول در حوزه‌ی سلامت به‌ویژه در دوران

نظرمی‌رسد. لذا کاوش بیشتر مشکلات، نیازها و همچنین توانمندی‌های مادران در حل مشکلات و مسائل خانواده، نتایج حائز اهمیتی را در جهت رویارویی علمی‌تر با این موضوع فراهم می‌نماید. در واقع مادری که از نقاط ضعف و قوت خویش آگاه است و از سلايق و علائق خویش خبر دارد بهتر می‌تواند از ویژگی‌ها و نقاط قوت و ضعف فرزند خویش آگاهی یابد و بر ای بهبود آنها گام بردارد. در واقع خودآگاهی به مادر کمک می‌کند تصویری واقعی از مادر بودن خود و نه تصویری ایده‌آل از

مادری کامل و بدون اشتباه در ذهن خود داشته باشد و با این شناخت واقع‌بینانه از توانمندی‌ها و ضعف‌ها، خوبی‌ها و بدی‌های خود گام اول برای تحقق یک رابطه سالم را برمی‌دارد. مادری که فرای نقش مادرانه خود برای رشد و توسعه فردی خود وقت اختصاص می‌دهد و در تنظیم خلق خود کوشا است و ذوب شدن در نقش مادرانه را منتهی درجه "مادر خوب بودن" نمی‌داند و به توسعه توانایی‌های فردی خود نیز اهمیت می‌دهد می‌تواند نقش بهینه‌ای در رابطه با کودکش داشته باشد.

منابع

1. Andreasson K, Krogh J, Rosenbaum B, Gluud C, Jobes DA, Nordentoft M. The DiaS trial: dialectical behavior therapy versus collaborative assessment and management of suicidality on self-harm in patients with a recent suicide attempt and borderline personality disorder traits-study protocol for a randomized controlled trial. *J Trials*. 2014;15(1):194. PubMed. DOI: 10.1186/1745-6215-15-194.
2. Bandura A. Human agency in social cognitive theory. *Am Psychol*. 1989;44(9):1175-84. DOI: 10.1037/0003-066x.44.9.1175 PMID: 2782727.
3. Bandura A. Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavior change. *Psychol Rev*. 1977;84(2):191-215.
4. Barnicot K, Gonzalez R, McCabe R, Priebe S. Skills use and common treatment processes in dialectical behaviour therapy for borderline personality disorder. *J Behav Ther Exp Psychiatry*. 2016;52(1):147-156. DOI: 10.1016/j.jbtep.2016.04.006.
5. Bilgin M. Relation among proposed predictors and outcomes of social self efficacy Turkish late adolescents. *Eğitim Fakültesi Dergisi*. 2011;40(1):01-18.
6. Christina Marie M. An investigation of the relationships among performance anxiety, perfectionism, optimism, and self-efficacy in student performers. Fordham University; 2012. 108 p. AAT 3361368.
7. Egan SJ, Wade TD, Shafran R, Antony MM. Cognitive-behavioral treatment of perfectionism. Guilford Publications; 2014.
8. Farmer JR, Mackinnon SP, Cowie M. Perfectionism and Life Narratives: A Qualitative Study. *SAGE Open*. 2017;7(3):1-14. Doi.org/10.1177/2158244017721733
9. Flett GL, Hewitt PL. Measures of perfectionism. In: Boyle GJ, Saklofske DH, Matthews G, editors. *Measures of personality and social psychological constructs*. San Diego: Elsevier Academic Press. 2015;1(1):595-618. Doi:10.1016/B978-0-12-386915-9.00021-8.
10. Florez IA, Bethay JS. Using adapted dialectical behavioral therapy to treat challenging behaviors, emotional dysregulation, and generalized anxiety disorder in an individual with mild intellectual disability. *Clin Case Stud*. 2017;16(3):200-15. DOI:10.1177/1534650116687073
11. French DP. Self-Efficacy and Health. In: Wright J, editor. *International encyclopedia of the social & behavioral sciences*. 2nd ed. Oxford: Elsevier; 2015;1(1):509-14. DOI:10.1002/9781119057840.ch111
12. Galfi-Pechenkov I. Perfectionism, affect intensity, rumination, and health [dissertation]. Toronto: York University; 2012.

13. Gnilka PB, Broda MD, Spit for Science Working Group 2018. Multidimensional perfectionism, depression, and anxiety: Tests of a social support mediation model. *Pers Individ Dif*. 2019;139(3):295–300. DOI:10.1016/j.paid.2018.11.031
14. Hill RW, Huelsmann TJ, Furr RM, Kibler J, Vicente BB, Kennedy C. A new measure of perfectionism inventory. *J Pers Assess*. 2004;82(1):80-91. DOI:10.1207/s15327752jpa8201_13
15. Iranzo-Tatay C, Gimeno-Clemente N, Barberá-Fons M, Rodríguez-Campayo MÁ, Rojo-Bofill L, Livianos-Aldana L, et al. Genetic and environmental contributions to perfectionism and its common factors. *Psychiatry Res*. 2016;1(1)230:932-939. DOI: 10.1016/j.psychres.2015.11.020
16. Jaworski M, Panczyk M, Leńczuk-Gruba A, Nowacka A. New trend of authentic leadership skills in nursing education: The key role of perfectionism and self-efficacy. 2020.
17. Jessica AE. Empowerment, feminism and self-efficacy: relation with disordered body image and eating [dissertation]. Appalachian State University; 2010.
18. Klibert J, Lamis DA, Naufel K, Yancey CT, Lohr S. Associations between perfectionism and generalized anxiety: examining cognitive schemas and gender. *J Ration-Emotive Cogn Behav Ther*. 2015;33(2):160–178. DOI:10.1007/s10942-015-0208-9
19. Kobau R, DiIorio C. Epilepsy self-management: a comparison of self-efficacy and outcome expectancy for medication adherence and lifestyle behaviors among people with epilepsy. *Epilepsy Behav*. 2003;4(3):217-25. DOI: 10.1016/s1525-5050(03)00057-x.
20. Lenz AS, Taylor R, Fleming M, Serman N. Effectiveness of dialectical behavior therapy for treating eating disorders. *J Couns Dev*. 2014;92(1):26-35. DOI:10.1002/j.1556-6676.2014.00127.x
21. Linehan MM, Lomtois KA, Murray AM, Brown MZ, Gallop RJ, Heard HH, et al. Two-year randomized controlled trial and follow-up of dialectical behaviour therapy vs. therapy by experts for suicidal behaviours and borderline personality disorder. *Arch Gen Psychiatry*. 2006;63(1):757-66. DOI: 10.1001/archpsyc.63.7.757
22. Linehan MM. *Dialectical Behavior Therapy Frequently Asked Questions*. Seattle: Behavioral Tech, LLC; 2008.
23. Little JN, Codd RT. Radically Open Dialectical Behavior Therapy (RO DBT) in the treatment of perfectionism: A case study. *J Clin Psychol*. 2020.
24. Maa M, Zi F. A qualitative study on personality traits of negative perfectionist. *Procedia - Soc Behav Sci*. 2020;29(3):116–121. DOI:10.1016/j.sbspro.2011.11.215
25. MacPherson HA, Cheavens JS, Fristad MA. Dialectical behavior therapy for adolescents: theory, treatment adaptations, and empirical outcomes. *Clin Child Fam Psychol Rev*. 2014;16(1):59-80. DOI: 10.1007/s10567-012-0126-7
26. Maffei C, Cavicchioli M, Movalli M, Cavallaro R, Fossati A. Dialectical behavior therapy skills training in alcohol dependence treatment: findings based on an open trial. *Subst Use Misuse*. 2018;53(14):2368-85. DOI: 10.1080/10826084.2018.1480035
27. McCauley E, Berk MS, Asarnow JR, et al. Efficacy of dialectical behavior therapy for adolescents at high risk for suicide: A randomized clinical trial. *JAMA Psychiatry*. 2019;75(8):1-10. DOI:10.1001/jamapsychiatry.2018.1109
28. Muris P. A brief questionnaire for measuring self-efficacy in youth. *J Psychopathol Behav Assess*. 2001;23(3):145–149. DOI:10.1023/A:1010961119608
29. Muris P. Relationship between self-efficacy and symptoms of anxiety disorders and depression in a normal adolescent sample. *Pers Individ Dif*. 2002;32(2):337–348. DOI:10.1016/S0191-8869(01)00027-7
30. Nakano K. Perfectionism, self-efficacy, and depression: preliminary analysis of the Japanese version of the almost perfect scale – revised. *Psychol Rep*. 2010;104(3):896-908. DOI: 10.2466/PRO.104.3.896-908
31. Neacsiu AD, Eberle JW, Kramer R, Wiesmann T, Linehan MM. Dialectical behavior therapy skills for transdiagnostic emotion dysregulation: A pilot randomized controlled trial. *Behav Res Ther*. 2014;59(12):40-51. DOI:10.1016/j.brat.2014.05.005
32. Nedeljkovic M, Wepfer V, Ausfeld-Hafter B, Wirtz P, Streiterberger KM. Influence of general self-efficacy as a mediator in Taiji-induced stress reduction—Results from a randomized controlled trial. *Eur J Integr Med*. 2014;5(3):284-90. DOI:10.1016/j.eujim.2012.12.001
33. Osenk I, Williamson P, Wade TD. Does perfectionism or pursuit of excellence contribute to successful learning? A meta-analytic review. *Psychol Assess*. 2020;32(10):972–983. DOI: 10.1037/pas0000942
34. Pardo E, Rivas A, Barnier P, Mirabent M, Lizeaga I, Cosgaya A, Alcántara A, González EA, Torres M. A qualitative research of adolescents with behavioral problems about their experience in a dialectical behavior therapy skills training group. *BMC Psychiatry*. 2020;20(1):1-10. DOI: 10.1186/s12888-020-02649-2
35. Paris J. Effectiveness of different psychotherapy approaches in the treatment of borderline personality disorder. *Curr Psychiatry Rep*. 2012;12(1):56-60. DOI:10.1007/s11920-009-0083-0
36. Reuther ET, Davis TE, Rudy BM, Jenkins WS, Whiting SE, May AC. Intolerance of uncertainty as a mediator of the relationship between perfectionism and obsessive-compulsive symptom severity. *Depress Anxiety*. 2013;30(8):773-777. DOI: 10.1002/da.22100

37. Rice KG, Lopez FG, Richardson CME. Perfectionism and performance among STEM students. *J Vocat Behav*. 2013;82(2):124-134. DOI:10.1016/j.jvb.2012.12.002
38. Richardson ED. Adventure Based Theory and Self-Efficacy Theory: Test of Treatment Model for Late Adolescents with Depressive Symptomatology [dissertation]. Virginia Polytechnic Institute and State University; 2001.
39. Roman KM, Rizvi SL, Yusko D. Self-efficacy and its relation to skills coaching in the context of dialectical behavior therapy augmented with a mobile phone app. RUcore: Rutgers University Community Repository; 2015.
40. Safitri S, Agoes Salim R, Widyasari P. The effectiveness of dialectical behavior therapy in developing emotion regulation skill for adolescent with intellectual disability. In: *Proceedings of the 3rd International Conference on Psychology in Health, Educational, Social, and Organizational Settings (ICP-HESOS 2018)*. 2018.1(1):351-359. ISBN: 978-989-758-435-. DOI:10.5220/0008589303510359
41. Schultz D, Schultz S. *Theories of personality*. Cengage Learning; 2016.
42. Sherry DL, Sherry SB, Hewitt PL, Mushquash A, Flett GL. The existential model of perfectionism and depressive symptoms: Tests of incremental validity, gender differences, and moderated mediation. *Pers Individ Dif*. 2015;76(1):104-110. DOI:10.1177/0734282919877777
43. Slade PD, Owens RG. A dual process model of perfectionism based on reinforcement theory. *Behav Modif*. 1998;22(3):372-90. DOI:10.1177/01454455980223010
44. Soreni N, Streiner D, McCabe R, Bullard C, Swinson R, Greco A, et al. Dimensions of perfectionism in children and adolescents with obsessive-compulsive disorder. *J Can Acad Child Adolesc Psychiatry*. 2015;23(2):136-143.
45. Stoeber J. How other-oriented perfectionism differs from self-oriented and socially prescribed perfectionism: Further findings. *J Psychopathol Behav Assess*. 2015;37(4):611-623. DOI:10.1007/s10862-015-9485-y
46. Van der Kaap-Deeder J, Soenens B, Boone L, Vandenkerckhove B, Stengée E, Vansteenkiste M. Evaluative concerns perfectionism and coping with failure: Effects on rumination, avoidance, and acceptance. *Pers Individ Dif*. 2017;101(1):114-119. DOI:10.1016/j.paid.2016.05.063
47. Van Dijk S. *DBT Made Simple: A step-by-step guide to dialectical behavior therapy*. New Harbinger Publications; 2013.
48. Yu JH, Chae SJ, Chang KH. The relationship among self-efficacy, perfectionism and academic burnout in medical school students. *Korean J Med Educ*. 2016;28(1):49-55. DOI:10.3946/kjme.2016.9

Original Article

The role of parents in solving the virtual educational and educational problems of elementary school children in the Corona era

Received: 11/06/2024 - Accepted: 01/10/2024

Soode Amirkhani Dehkordi¹
Seysedhamid Atashpour^{2*}
Fallah Mohammad Hossein³

¹ PhD student Department of
Counseling Yazd Branch, Islamic Azad
University, Yazd, Iran

² Associate Professor Department of
Psychology Isfahan(Khorasgan)
Branch, Islamic Azad University,
Isfahan, Iran

³ Associate Professor Department of
Counseling Yazd Branch, Islamic Azad
University, Yazd, Iran

Email:
hamidatashpour@gmail.com

Abstract

Introduction: The current study aims to respond to the role of parents of elementary school children in the educational and educational issues of their children in the era of Corona and examines their measures in solving the virtual educational and educational problems of elementary school children in the era of Corona. The present study was conducted with the aim of obtaining parents' lived experiences of educational and educational issues and their support for their children's learning during the Corona quarantine period, and specifically addressed the following questions: "How do parents of primary school children deal with their children's educational and educational issues at home?" And did they experience the closure of schools and the restrictions of the Corona era? General questions were followed by more targeted questions regarding the challenges of virtual education, guidance, learning responsibilities, communication with school, understanding and progress of their child.

It started with the phrase "Talk about your experience in this field" and by guiding and paying attention to the person's participation, steps were taken towards the issues raised and the participant was encouraged to express his opinions and experiences and to describe them. and its performance. Since the language of writing qualitative reports should match the language of the people involved, the researcher tried to remain faithful in presenting the interviewees' content. The results showed that some mothers had not experienced a good feeling of closing schools during the corona era. The psychological characteristics of people play a critical role in predicting the experiences of the corona era. Parents reported that paying attention to their children's educational and educational issues directly affects the communication process with their children.

Key words: parents, elementary school, educational and educational issues, virtual, corona era.

Acknowledgement: There is no conflict of interest